

درس اول

﴿ أَهْلًا وَ سَهْلًا ﴾

يَبْتَدِئُ الْعَامُ الْدَّرَاسِيُّ الْجَدِيدُ. يَذْهَبُ الطُّلَابُ وَ الطَّالِبَاتُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ بِفَرَحٍ؛
هُمْ يَخْمِلُونَ حَقَائِبِهِمْ؛ الشَّوَارِعُ مَمْلُوَّةٌ بِالْبَيْنَ وَ الْبَنَاتِ. يَبْتَدِئُ فَصْلُ الدِّرَاسَةِ وَ
الْقِرَاءَةِ وَ الْكِتَابَةِ وَ فَصْلُ الصِّدَاقةِ بَيْنَ التَّلَامِيذِ.

سال تحصیلی جدید آغاز می شود . پسران و دختران دانش آموز خوشحال به مدرسه می روند .
آنان کیف هایشان را بر می دارند ؟ خیابان ها پر از پسران و دختران (دانش آموز) است .
فصل درس خواندن (آموختن) و خواندن و نوشتن و فصل دوستی میان دانش آموزان آغاز می
شود .

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

أَبْدَأْ بِاسْمِ اللَّهِ كَلَامِي
أَذْكُرْ رَبَّيْ عِنْدَ قِيَامِي

سختم را با نام خدا آغاز می کنم — بروردکارم را هنگام برخاستم به یاد می آورم .

أَبْدَأْ بِاسْمِ اللَّهِ دُرُوسِي
أَذْكُرْ رَبَّيْ عِنْدَ جُلوسِي

درس هایم را با نام خدا آغاز می کنم . — بروردکارم را هنگام نشستم یاد می کنم .

أَقْرَأْ بِاسْمِ اللَّهِ كِتَابِي
أَشَأْ رَبَّيْ حَلْ صِعَابِي

نامه و کتابم را با نام خدا آغاز می کنم . — کشایش سختی هایم را از بروردکارم می خواهم .

مَكْتَبُنَا نُورٌ وَ حَيَاةً
فِيهِ دُعَاءٌ، فِيهِ صَلَاةٌ

دین و مكتب ما ، دین روشنایی و زنده شدن است . — در آن دعا و نماز است .

فِيهِ عُلُومٌ، فِيهِ كَمَالٌ
فِيهِ كُنُوزٌ، فِيهِ جَمَالٌ

در آن دانش ها و به کمال رسیدن است . — گنج هایی در آن است و زیبایی هایی .

يَتَسَخَّرُجُ مِنْهُ الْعُلَمَاءُ
وَ يُدَرِّسُ فِيهِ الْحُكْمَاءُ

از آن (مكتب) ، دانشمندان بیرون می آیند . — و حکما و اندیشمندان از آن می آموزند

هَا كَثُبَيْ أَنْوَارُ سَمَائِي
مَرْحَمَةُ، گَنْزُ، گَدَوَاهِي

هان که کتاب های (دینی) من روشنایی آسمان من اند . — دوستی و گنج چون داروی من .

أَبْدَأْ بِاسْمِ اللَّهِ أَمْوَارِي
فَاسْمُ إِلَهِي، زَادَ سُرُورِي

کارهایم را با نام خدا آغاز می کنم . — پس نام معبدم بر شادیم می افزاید .

۱. «خَيْرُ النَّاسِ مَنْ نَفَعَ النَّاسَ».

بهترین مردم کسی است که به مردم سود برساند

۲. «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ».

قطعاً خدا زیاست که زیبایی را دوست دارد.

۳. «مَنْ كَتَمَ عِلْمًا، فَكَانَ جَاهِلًا».

هر کس دانش را پنهان کند: پس گویا او نادان است

۴. «لَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ».

مگر این که با عمل همراه باشد.

هیچ خیری در سخن نیست ۵. «أَكْثَرُ خَطَايَا أَبْنَ آدَمَ فِي لِسَانِهِ».

ناشی از زبان اوست.

بیشتر > > > >

به فارسی ترجمه کنید.

۱. يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ

۲. ... هر کس در آسمانها و هر کس در زمین است و خورشید و ماه و ستارگان و کوهها و درختان ... برای او سجده میکنند.

۳. يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَلِكُنَّ النَّاسَ شَيْئاً وَلِكُنَّ يَوْمَ سَاجِدِينَ
یوسف به پدرش گفت: پدرم! البته من در خواب دیدم یازده ستاره و خورشید و ماه در برابرم سجده میکنم.

۴. إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئاً وَلِكُنَّ هُنَّ مُنْذَهُونَ
همانا خداوند هیچ ستمی بر مردم روانمی دارد، ولی مردم خودشان بر خود ستم میکنند.

۵. إِنَّ الْعِلْمَ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ. الْعِلْمُ يَخْرُسُ وَأَنَّكَ تَخْرُسُ الْمَالَ.

دانش بهتر از مال است. دانش از تو پاسبانی می کند ولی تو از مال

۶. لِكُلِّ شَيْءٍ طَرِيقٌ وَطَرِيقُ الْجَنَّةِ الْجَنَّلُ.

برای هر چیزی راهی است و راه بیشتر دانش است

الشعرین الرابع

فعلهای ماضی و مضارع را در آیات زیر معلوم کنید.

۱. إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ حَمِيعًا

... که خدا تمامی کنایان را می آمرزد، همانا او آمرزندۀ مهربان است

۲. مَا ظَلَّنَا هُنَّا مَا ظَلَّكُنَّ عَلَّمُوا أَنْتُمْ

... ما به آنان ستم نکردیم بلکه آنان به خودشان ستم کردند.

۳. حَرَبَنَا النَّاسُ فِي هَذَا الْقَرْآنِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ

زدی برای مردم در این قرآن از هر متنی

۴. أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلِكُنَّ أَكْرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

آنکه باشید که وعده خدا (همه) حق است ولی بیشتر خلق از آنان آنکه نیستند

۵. لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْحَقِيبَ إِلَّا اللَّهُ

هر که در آسمانها و زمین است غیر از خداوند غیب را نمی داند

● ترجمة ناقص را کامل کنید.

١. **أَكُمْ فِيهَا قَوَاكِهُ گشیرَةً وَ مِنْهَا أَكْلُونَ** ﴿المؤمنون ١٩﴾

برای شما در آن **میوه های** بسیاری هست و از آن **آن می خورید**.

٢. **يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلتَّاسِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ شَيْءَ عَلِيمٌ** ﴿النور ٣٥﴾

خداؤند برای مردم مثل ها **آگاه** و خداوند به هر چیزی **می زند** است.

٣. **أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَخْرَجُونَ** ﴿يولس ٦٢﴾

هان، قطعاً **دوستان** خدا نه ترسی بر ایشان هست و نه **اندوهگین می شوند**.

٤. **الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا أَخْرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ** ﴿الحجر ٩١﴾

کسانی که همراه خدا خداییں دیگر قرار می دهند **قرار می دهند** پس **خواهند دانست**.

● کدام فعل از نظر زمان با بقیة فعلها «ناهماهنگ» است؟

١. **جَعَلَتَا** **يَسْمَحَانِ** **تَقْطَعَانِ** **تَهْرُبِ**

٢. **أَخْذَتُمْ** **أَشْتَهَى** **أَمْرَوا** **أَكْلَنَا**

٣. **جَلَبْتُ** **يَجْمَعُ** **كَتَمَا** **جَلَسَوْا**

٤. **تَخْرُسُ** **حَصَدَنِي** **تَحْدِيمَيْنِ** **يَخْلُقُ**

٥. **نَطَرْتُمْ** **قَرَحَا** **قَاتَشَنِي** **حَبِيَّذَنِ**

● کدام فعل مناسب ضمیر داده شده است؟

١. **هُمْ** **صَبَرْتُمْ** **عَرَفَوْا** **عَرَفَتُمْ** **عَلِمْنَا**

٢. **أَتَهُمْ** **يَعْشُونَ** **نَظَلَمُونَ** **يَطْبُخُنَ** **تَضْحَكُنَ**

٣. **أَنْتُمْ** **تَغْسِلُ** **يَغْفِرُونَ** **أَفْتَحُ** **تَفْتَحَنَ**

٤. **هُمَا:** **فَعَلَتَا** **فَعَلَتْهُمَا** **قَدَرْنَا** **قَرِبَتْ** **قَدِلَّتْهُمَا**

٥. **هِيَ:** **يَكْذِبَانِ** **تَقْذِيفُ** **تَكْتَلَنِ** **تَلْبَسُ**

خواهد نشدت	سيِّجِلْسُ	فهي فشيند	لا يَجْلِسُ	نششت	ما جَلَسَ
خواهيد رفت	سَوْفَ تَذَهَّبُونَ	هي رويد	تَذَهَّبُونَ	رفيد	ذَهَبْتُمْ
نشنیدیم	ما سَمِعْنَا	شنیدید	سَمِعْتُنَّ	شنیدند	سَمِعْنَ
نكاه می کنم	أَنْظُرْ	نكاه می کنیم	أَنْظُرْ	نكاه می گند	يَنْظُرْ
راست گفتم	صَدَقْتُ	راست گفتی	صَدَقْتَ	راست گفت	صَدَقْتُ
می شناسی	تَعْرِفِينَ	می شناسید	تَعْرِفُونَ	می شناسند	يَعْرِفُونَ



هل خلارِمیلک؟
— نعم



ماذا ولّي الشجرة؟
— الحمام



لِمَنْ هَذَا الْقَرْطَلُ؟
— لِالشِّيخِ الْأَجَلِ سَعْدِيٍّ



أين ذايك الرجل؟
— تحت الشجرة.



كم كرسيّاً حول المائدة؟
— أربعه



حي أى علم هذَا العالِمَ معروفة؟
— في علم الكيمياء



متى تلقّبَتْ كُلُّ المائدة؟
— بعد الظهر



ماذا هي هذه الشاحنة؟
— السيارة.



وَمَمْ يَسْعَاهُ الْبَحْثُ عَنْهُ؟
— بِطْيَارَةٍ (بالعَانِرَةِ)



يا تصريحاتِ ما هي حالتك؟
— نحن بخير.

۱. واحد / إثنان / ثلاثة / أربعة / خمسة / سبعة / ثمانية

/ تسعه / عشره / الأحد عشر / إثنا عشر

۲. الأول / الثاني / الثالث / الرابع / الخامس / السادس / السابع

/ الثامن / التاسع / العاشر **الحادي عشر** الثاني عشر

۳. يوم السبت / الأحد / الإثنين / الثلاثاء / الأربعاء / الخميس / الجمعة

۴. الربيع / الصيف / الخريف / الشتاء

۵. القطور في الصباح / الغداء في الظهر / الغشاء في الليل

۱. به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

— من دانش آموزم

۱. مَنْ أَنْتَ؟

— من خوبیم

۲. كَيْفَ حَالُكَ؟

من ایرانی ام .

۳. مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟

— کلاس نهم .

۴. فِي أَيِّ صَفَّ أَنْتَ؟

فصل پاییز

۵. مَنْ يَبْدأُ الْعَامُ الْدَرَاسِيَّ فِي إِيْرَان؟

التمرين الثاني عشر

برای فعل‌های زیر، ضمیر مناسب انتخاب سپس هر جمله را ترجمه کنید.

ما پیروز شدیم	۱- (هم <input type="checkbox"/> تهن <input type="checkbox"/>) نجخنا
ایشان باری می دهند .	۲- (هم <input type="checkbox"/> ائشما <input type="checkbox"/>) ینصرتون
تو دروغ نمی گویی	۳- (کم <input type="checkbox"/> ائشما <input type="checkbox"/>) لاتکذب
شما رسیدید	۴- (هن <input type="checkbox"/> ائشم <input type="checkbox"/>) وصلئم
آنان می توانند	۵- (ائشما <input type="checkbox"/> هن <input type="checkbox"/>) یقدزن
او نزدیک شد	۶- (هي <input type="checkbox"/> انت <input type="checkbox"/>) قربت

● کدام کلمه از نظر معنایی با بقیه کلمات «ناهماهنگ» است؟

باغ	كيف
۱. موظفة □ طبيه □ طباخه □ حقيقه □ سنجاب □	۵. يقره □ جنه □ فرس □ خوش □
خانواده	كارگر
۶. أسرة □ قمر □ عامل □ شخص □	۲. محافظة □ قريه □ مدينه □ عامل □
رفت	رك
۷. أسبوع □ ذهب □ شهر □ سنه □	۳. بنت □ اخت □ لون □ جده □
ابر	سخن
۸. ثفاح □ رمان □ ثمر □ سحاب □	۴. قدام □ قول □ يد □ عين □

٤٠ التمرين الرابع عشر

● هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید. «یک کلمه اضافه است.»

- مکانی است که مردم در آن صحابه و ناهار و شام می خورند
○ هو الذی یدخلُ الْبَيْتَ بِدَعْوَةٍ أَوْ بِغَيْرِ دَعْوَةٍ.
○ او کسی است که با دعوت یا بی دعوت وارد خانه می شود
○ ریاضهٔ یلعبُ فیها أحَدَعَشْرَ لاعبًا.
○ ورزشی است که یازده بازیکن در آن بازی می کنند
○ أَرْضٌ واسِعَةٌ فِيهَا أَشْجَارٌ كثِيرَةٌ.
○ پرنده‌ای سیاه رنگ است و صدای قشنگی ندارد.
○ وَقْتُ نِهَايَهِ النَّهَارِ وَبِدَايَهِ اللَّيلِ.
○ زمینی است بهناؤر که در آن درختان زیادی است
○ زمان یا یانی روز است و آغاز شب
○ طائرٌ أَسْوَدُ اللَّوْنِ.

۱۲. **الضيق** در جای خالی، یکی از دلمه‌های زیر را بنویسید. «دو کلمه اضافه است.»

٣ ٤ ٥ ٦ ٧ ٨

علیک / ذهیه / الجلوس / الحجر / الجاهل / الأمان / الصعاب

۱. **آدب المُرءُ، خَيْرٌ مِنْ دُولَتِ اُوستِ** رسول الله ﷺ

۲۱۲. **العلمُ فِي الصَّغِيرِ، كَالْتَقْشِينَ فِي الإِيمَانِ** عليه السلام

۲. **يُعْمَلُنَ مَجْهُولَتَانِ؛ الصَّحَّةُ وَ** رسول الله ﷺ **دُو نعمت ناشاخته اند، تقدرتستی و آسایش.**

۴. **الدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمُ لَكَ وَيَوْمُ** عليه السلام **روزگار دو روز است، روزی به سودت روزی به زیارت**

۵. **عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ، خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةٍ** الإمام علي عليه السلام **دشمنی دانا بهتر از دوستی نادان است.**

● متضاد کلمه‌های داخل جدول را در کلمات زیر پیدا کنید و بنویسید.

١٠ ١٢ ٤ ٦ ٩ ٧ ٥ ٢ ١ ٣ ١١ ٥ ٧ ٩ ٦ ١٢ ٤
گَثِيرٌ / لَيْلٌ / نِهايَةً / قَرِيبٌ / جَميْلٌ / صَدَاقَةً / يَمِينٌ / غَاليَةً / شِراءً / فَرَحٌ / كَذَبٌ / حَازَ

يسار	بعيد	رخيصة
بارد	بداية	بيع
صدق	قبيح	حزن
نهار	عداؤة	قليل

١٣

● این کلمات را در جای مناسبی از جدول بنویسید.

أوراق / فلاحان / شجرة / رياضيون / سيدات / مدرستان

شجرة	مفرد مؤنث
فلاحان	مثنى مذكر
مدرستان	مثنى مؤنث
رياضيون	جمع مذكر سالم
سيدات	جمع مؤنث سالم
أوراق	جمع مكسر

درس دوم

رجَعَ سَجَادٌ مِنَ الْمَدْرَسَةِ حَزِينًا؛ عِنْدَمَا جَلَسَ عَلَى الْمَائِدَةِ مَعَ أُسْرَتِهِ، بَدَا
بِالْبُكَاءِ فَجَاءَ وَذَهَبَ إِلَى غُرْفَتِهِ؛ ذَهَبَ أَبُوهُ إِلَيْهِ وَتَكَلَّمَ مَعَهُ وَسَأَلَهُ: «لِمَاذَا
مَا أَكَلْتَ الطَّعَامَ؟!» أَجَابَ: «هَلْ تَعْرِفُ صَدِيقِي حُسَيْنًا؟» قَالَ: «نَعَمْ؛ أَغْرِفُهُ؛ هُوَ
سَجَادٌ غَمْكِينٌ از مدرسه برگشت؛ هنگامی که همواره خانواده اش روی سفره نشست، ناگهان
شروع به گریه کردن نمود و به اتفاقش رفت؛

پدرش به سویش رفت و با او صحبت کرد و ازش پرسید:
«چرا غذا نخوردی؟»

(سَجَاد) پاسخ داد: «آیا دوستِ حسین را می‌شناسی؟» گفت:

«بله، او را می‌شناسم؛ او پسر باهوش و آرامی است. برايش چه اتفاقی افتاد؟
وَلَدُ ذَكْيٍ وَهَادِيٍّ. ماذا حَدَثَ لَهُ؟» أَجَابَ سَجَادٌ: «هُوَ رَقَدٌ فِي الْمُسْتَشْفَى؛ تَصَادَمَ

بِالسَّيَارَةِ؛ حَدَثَ التَّصَادُمُ أَمَامِي؛ عِنْدَمَا شَاهَدَهُ عَلَى الرَّصِيفِ الْمُقَابِل؛ نَادَيْتُهُ
سَجَادٌ پاسخ داد: «او در بیمارستان بستری است؛ با ماشین تصادف کرده. تصادف، رو بروی
فَقَصَدَ الْعُبُورَ بِدُونِ النَّظَرِ إِلَى السَّيَارَاتِ وَمِنْ غَيْرِ مَمَرِّ الْمُشَاةِ؛ فَاقْتَرَبَتِ
مِنْ رُحْ دَادٌ؛ وَقَتَى او رَا در پیاده روی مقابل دیدم او را صدا زدم؛ پس ناگهان از خیابان
سَيَارَةً مِنْهُ وَضَدَمَتْهُ. کانَتْ سُرْعَةُ السَّيَارَةِ كَثِيرَةً.
کذشت و به چپ و راست نگاه نکرد؛ ماشین به او نزدیک شد و با او برخورد کرد
قالَ أَبُوهُ: «كَيْفَ حَالُهُ الْآن؟»

پدرش گفت: «هم اکنون حالش چطور است
؟ قال سَجَادٌ: «هُوَ مَجْرُوحٌ».

سَجَادٌ گفت: «او مجروح شده است»

فِي الْيَوْمِ الثَّالِي طَلَبَ الْمُدْرَسُ مِنْ تَلَامِيذهِ كِتَابَةً قَوَانِينِ الْمُرُورِ وَرَسَمَ
روز بعد معلم از دانش آموزانش خواست (تا) آین نامه راهنمایی و رانندگی را در روزنامه
إِشَارَاتِ الْمُرُورِ فِي صَحِيفَةِ جَدَارِيَّةٍ وَرِعَايَةِ الْأَعْمَالِ الصَّحِيحَةِ فِي الشَّوَارِعِ وَالطَّرِيقِ.
دِبَوارِ بِنْوَيْسِنْدِ . سِيسِ مدیر مدرسه از اداره راهنمایی و رانندگی خواست تا علامت های
ثُمَّ اَخَذَ المُدِيرُ تَلَامِيذهَ الْمَدْرَسَةِ إِلَى مِنْطَقَةِ تَعْلِيمِ الْمُرُورِ وَبَعْدِ يَوْمَيْنِ جَاءَ شَرْطِيُّ إِلَى
راهنمایی و رانندگی را در مدرسه توضیح دهد پیس راهنمایی و رانندگی آمد و تابلوهای
المدرسه من إِدَارَةِ الْمُرُورِ لِشَرْحِ إِشَارَاتِ الْمُرُورِ وَ طَلَبَ مِنْهُمُ الْعُبُورَ مِنْ مَمَرِّ الْمُشَاةِ.
ضروری را سرح داد و به آنان دستور داد از پیاده رو بگذرند .
كَتَبَ التَّلَامِيذهُ صَحِيفَةَ جَدَارِيَّةً وَرَسَمُوا فِيهَا عَلَامَاتِ الْمُرُورِ وَشَرَحُوا مَعَانِيهَا.
دانش آموزان یک روزنامه دیواری نوشتند و تابلوهای راهنمایی و رانندگی را در آن نقاشی کردند

حروف اصلی و ترجمة كلمات زیر را بنویسید.

ع ب د	بُرسته	برسته شده	عاِيد، مَغبُود :
ف ت ح	كشاینده	گشوده شده	فَاتِح، مَفْتُوح :
ك ت ب	نویسنده	نوشته شده	كَاتِب، مَكْتُوب :
ض ر ب	زننده	زده شده	ضارب، مَضْرُوب :
خ د م	خدمت گننده	خدمت شده	خادِم، مَخْدُوم :
ش ه د	بیننده	دیده شده	شاهد، مَشْهُود :

التمرين الثاني

وپن کلمات جدول را بنویسید.

مصدر	مضارع	ماضي	ريشه
إخراج	يُخْرِجُ	أَخْرَجَ	خ ر ج
	يُفْعِلُ	أَفْعَلَ	
تسليم	يُسَلِّمُ	سَلَمَ	س ل م
	يُفْعَلُ	فَعَلَ	
تعامل	يَتَعَامِلُ	تَعَامَلَ	ع م ل
	يُفَاعَلُ	تَفَاعَلَ	
تعلم	يَتَعَلَّمُ	تَعَلَّمَ	ع ل م
	يُفَعَّلُ	تَفَعَّلَ	
استخدام	يَسْتَخْدِمُ	إِسْتَخْدَمَ	خ م د
	يُسَفِّلُ	إِفْتَعَلَ	
مسافرة	يُسَافِرُ	سَافَرَ	س ف ر
	يُفَاعِلُ	فَاعَلَ	
انكسار	يَنْكَسِرُ	إِنْكَسَرَ	ك س د
	يُفَعِّلُ	إِفْتَعَلَ	

الثّمرينُ الثّالثُ

● هر کلمه را به عبارت مرتبط با آن وصل کنید.

١. قوانين المرور 

أوراق فيها أخبار و معلومات أخرى.

٢. المستشفى 

جانب من الشارع لمرور الناس.

٣. الرصيف 

مكان مجهز لشخص المرضى.

٤. الصحيفة 

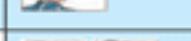
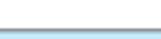
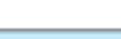
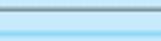
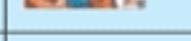
جريان الدموع من الخزان.

٥. البكاء 

الثّمرينُ الرّابعُ

● جاهای خالی را با کلمات داده شده پُر کنید.

هُوَ - هُمَا - هُمْ - هِيَ - هُنْ - أَنْتَ - أَنْثِيَا - أَنْثِمْ - أَنْتِي - أَنْثِنْ - أَنَا - تَحْنُّ

		أنا	من
	أنتِ		أنتَ
	هيَ		هُوَ
			نَحْنُ
	أَنْتُمَا		أَنْتُمْ
		أَنْتُنَّ	أَنْتُمْ
	هُمَا		هُنَّ
			هُمْ
			إِيْشَان

التمرين الخامس

در جاهای خالی از کلمات داده شده استفاده کنید. «یک کلمه اضافه است.»

الثالي / جدارية / تصادمتا / تلميذ / الدموع / حدث

۱. یا زمیلی، ما بِک؟ **لَمْ** آنَتْ حَزِينٌ؟ ماذا **إِي هِمْكَلَاسِي، چِيه؟ چِرا نَارَاحْتِي؟ چِه شَد؟**
 ۲. الْتَّلَامِيدُ مُشغَلُونَ بِتَهْبِيَّةِ صَحِيقَةٍ **دانش آموزان سرگرم تهیه روزنامه دیواری هستند.**
 ۳. أَخِي فِي الصُّفُّ السَّادِسِ الْابْتِدَائِيِّ **برادرم دانش آموز کلاس ششم ابتدایی است.**
 ۴. الْسَّيَارَاتِنِ **دو ماشین مقابل درب کارخانه برخورد کردند.**
 ۵. جَارِيَّةٌ عَلَى وَجْهِ الطَّفَلَةِ **اشک ها روی چشم دختر بچه روان است.**

● کدام کلمه از نظر معنا با سایر کلمه‌ها «ناهمانگ» است؟

- | | | | |
|---------|----------------------------------|----------|--------------------------|
| ۱. هادی | <input type="checkbox"/> ماشین | کشته | هوایما |
| ۲. شارع | <input type="checkbox"/> سفينة | طائرة | <input type="checkbox"/> |
| ۳. آگل | <input type="checkbox"/> خیابان | پیاده رو | میدان |
| ۴. ماء | <input type="checkbox"/> خاتم | تصویر | انگشت |
| ۵. یَد | <input type="checkbox"/> خورده | نگاه کرد | مشاهده کرد |
| | <input type="checkbox"/> رأی | ناظر | دید |
| | <input type="checkbox"/> شاهد | | نگاه کرد |
| | <input type="checkbox"/> نوشیدنی | همسایه | چای |
| | <input type="checkbox"/> شراب | جار | شای |
| | <input type="checkbox"/> زبان | صدرا زد | دندان |
| | <input type="checkbox"/> لسان | دست | زبان |
| | <input type="checkbox"/> سین | دست | دست |
| | <input type="checkbox"/> نادی | فیعال | یَد |

الْتَّمْرِينُ السَّابِعُ

● آیه و احادیث زیر را ترجمه کنید. سپس کلماتی بر این وزن‌ها در آنها بیابید.

۲۳

فاعِل : يَفْعُل : فَعَالٌ :

فِعْلٌ : فِعَالٌ :

۱. ﴿إِنَّ اللَّهَ عَالِمٌ عَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ الفاطر ۲۸

«الْبَشَرُ خَدَوْنَدَ دَانَى نَهَانَ آسمَانَهَا وَزَمَنَهَا إِنَّهُمْ أَنْجَلُوا

۲. مِنْ سَعَادَةِ ابْنِ آدَمَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَمِنْ شَقاوةِ ابْنِ آدَمَ سُوءُ الْخُلُقِ. رسول الله ﷺ

(بَكَى از خوشختی های آدمی زاده اخلاق پسندیده و از بدبوختی هایش اخلاق ناپسند است .) سعاده : فعاله

۳. شَرَفُ الْحَرَمَةِ بِالْعِلْمِ وَالْأَدَبِ لَا يَأْتِي أَصْلِي وَالثَّسِيبِ، الإمام عليؑ

(بزرگی و شرافت انسان به دانش و ادب است نه به نژاد و ریشه .) علم : فعل

۴. إِنَّ أَحَبَّ عِبَادَ اللَّهِ إِلَيْهِ الَّذِي أَنْصَحَهُمْ لِعِبَادَةِ رسول الله ﷺ

(قطعاً دوست داشتنی ترین بندگان خدا پیش خدا پند دهنده ترین آنان نسبت به بندگان اوست .)

۵. حُسْنُ الْأَدَبِ يَشْرِقُ فِي النَّسَبِ. الإمام عليؑ

(نیکویی و زیبایی ادب، زشتی های ریشه نژاد را می پوشاند .)

آن طالب فی الصَّفَّ التَّاسِعِ اسْمُ اسْحَاقِ لِي أَخْتَانَ: مَهْدِيمٌ وَ لَالِينٌ^۱ من دَائِنِ أَمْوَالِكَلَّاسِ نَاهِمَ هَسْتَمْ . كَامْ «اسْحَاق» أَسْتَ دُو قَاهْوَاهِرَ دَارِمْ: هُمَا صَغِيرَتَلَانِنْ «فَلَا تَذَهَّبَانِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ وَ عَنِّي أَخْوَانَ: هَاشَمٌ وَ جَوَادٌ . هَاشَمٌ أَكْبَرٌ أَوْلَادُ الْأُسْرَةِ؛ آنِهَا كَوْچَكْ آنِدْ وَ بِهِ مَدْرَسَهَ نَمِي روْندَ . وَ دُو تَابِرَادِرمَ دَارِمْ: هَاشَمٌ وَ جَوَادٌ «إِنَّهُ تَخْرُجٌ مِنَ الْمَدْرَسَةِ وَ الْآنُ هُوَ حَلَوَانِيٌّ . جَوَادٌ فِي الصَّفَّ السَّابِعِ . تَعْنُونِ مِنْ مَدِيَّةٍ هَاشَمٌ «فَرَزَنْدِ بِزُوكَرْ خَانَوَادِهِ اسْتَ الْبَشَّهُ اوَ ازْ مَدْرَسَهَ بِيرُونَ آمِدْ وَ أَكْنُونَ شِيرَنِي فَرُوشِ اسْتَ . سَراوَانِ «فِي مُحَافَظَةٍ سِيْسَتَانَ وَ بُلُوشَتَانَ» .

جَوَادٌ «كَلَّاسِ هَفْتَمْ وَ صَادِقٌ «صَادِقٌ «كَلَّاسِ شَشَمَ اسْتَ . ما ازْ شَهَرَ «سَراوَانِ» درِ اسْتَانَ «سِيْسَتَانَ وَ بُلُوشَتَانَ» هَسْتَيمِ ۱. لِمَذَا لَا تَذَهَّبُ مَهْدِيمٌ وَ لَالِينٌ إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟

هَاشَمٌ

۲. مَا اسْمُ أَكْبَرِ الْبَنِينَ فِي هَذِهِ الْأُسْرَةِ؟

هَاشَمٌ

۳. مَنْ تَخْرُجٌ مِنَ الْمَدْرَسَةِ؟

مِنْ سَراوَانِ مُحَافَظَةٍ سِيْسَتَانَ وَ بُلُوشَتَانَ

۴. مِنْ أَيْنَ هَذِهِ الْأُسْرَةِ؟

فِي الصَّفَّ التَّاسِعِ

۵. فِي أَيِّ صَفَّ إِسْحَاقٌ؟

إِسْتَانَ

۶. كَمْ أَخْتَانَ إِسْحَاقٌ؟

التَّمْرِينُ التَّاسِعُ

۱. با استفاده از کلمات زیر جدول را حل کنید و رمز را به دست بیاورید.

۱۱	۱۰	۷	۶	۱۷	۱۶	۱۹	۲۳	۱۴	۱۹	۲۰	۹	۱۵	۲۰	۱۳	۲۲	۱۳	۲۰	۹	۱۵	۲۱	۵	۲	۸	۱۸	۱۸	۴
تصادُمات / تَكَلْمُ / تَلَامِيزُ / نَادِيَّتَمُ / مَلَاعِبُ / أَرْهَارُ / مُسْتَشْفَى / إِفْتَرِيزُ / شَقاوةً / أَنْصَحُ / تَنْظُرُونَ / حَذَرِيَّماً / أَخْوَاتُ / إِخْوَةً / بُكَاءً / سَيَّاراتُ / وَقْعَةً / أَلْوَانُ / يَرْسُمْنَ / أَسْمَاكُ / فِضَّةً / حَزِينَةً / فَجَاءَةً	بخاری و ترجمه کنید.																									

۱. <منْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِيلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ> البقرة ۲۷
«هر کس به خدا و روز بازیسن ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دهد پس نزد خداوند پاداش بزرگی خواهد داشت .» (بقره: ۶۲)

۲. <يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذْ قُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ> الشافعی

«ای کسانی که ایمان آوردید ، جرا آن چه را که می گوید ،

۳. <أَنْتَ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُنْثَةٌ حَسَنَةٌ> الاحرام ۲۱

به تحقیق در (وجود) بیامبر خدا (ص) الکوی نیکوبی برایتان وجود دارد .» (احزاب : ۲۱)

۴. <إِذَا سَأَلْتَ عَبْدَهِي عَنِّي فَيَأْتِي فَرِيبَ> البقرة ۱۸۶

«وقتی بیندگان من از تو درباره من می پرسند (می خواهند)

پس همانا من (به همه) فردیکم .» (بقره : ۱۸۶)

۵. <يَرْكِمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مُنْكَمْ> الشجاده ۱۱

«خداؤند (اعمال نیکو و درجات) کسانی از شما را که ایمان آوردهند بالا می برد .»

درس سوم

کانَ حمِيدٌ وَ سعِيدٌ أخْوَيْنِ فِي مَزْرَعَةِ قَمْحٍ؛ فِي أَحَدِ الْأَيَّامِ وَقَعَتْ عَدَاوَةٌ
حَمِيدٌ وَ سعِيدٌ دُو بِرا در در يك مزرعه گندم بودند؛ در يكى از روزها ميانشان دشمنی افتاد و
بِيَتَهُمَا وَغَضِيبُ الْأَخْ الْأَكْبَرُ «حَمِيدٌ» عَلَى الْأَخِ الصَّغِيرِ «سَعِيدٌ» وَ قَالَ لَهُ:
بِرا در بزرگتر «حَمِيدٌ» بِرا در كوچکتر «سَعِيدٌ» خمسكين شد و به او گفت: «از مزرعه من برو بیرون .
«أَخْرُجْ مِنْ مَزْرَعَتِي».

وَ قَالَتْ زَوْجَةُ حَمِيدٍ لِزَوْجَةِ سَعِيدٍ: «أَخْرُجْ جِي مِنْ بَيْتِنَا».
وَ هَمْسَرَ حَمِيدٌ (نِزَ) بِهِ هَمْسَرَ سَعِيدٍ گَفَتْ: «اَزْ خَانَةَ مَا بِرُو بِيرُونَ ..»
فِي صَبَاحِ أَحَدِ الْأَيَّامِ طَرَقَ رَجْلُ بَابِ بَيْتِ حَمِيدٍ؛ عِنْدَمَا فَتَحَ حَمِيدٌ بَابَ الْبَيْتِ؛
صَبَحَ يَكِي اَزْ روزها مردي در خانه حمید را گوبيده؛ وَقَتِي حَمِيدٌ دِرْ خَانَه رَا باز کرد نَجَارِي
شَاهِدَ نَجَارِي؛ فَسَأَلَهُ: «مَاذَا تَطْلُبُ مِنِّي؟»
رَادِيدٌ، يَسِ اَزْ او پِرسِيدٌ: «اَزْ مِنْ جَهِ مِنْ خَوَاهِي؟»
أَجَابَ النَّجَارُ: «أَبْحَثُ عَنْ عَمَلٍ؛ هَلْ عِنْدَكَ عَمَلٌ؟»
نَجَارِي پَاسِخَ دَادَ: «دَنْبَالَ كَارِ مِنْ گُرَدَمٌ؛ آيَا كَارِي دَارِي (كَهِ انْجَامِ دَهْمِ)؟»
فَقَالَ حَمِيدٌ: «بِالْتَّاكِيدِ؛ عِنْدِي مُشْكَلَةٌ وَخَلَهَا بِيَدِكِ.»
حَمِيدٌ گَفَتْ: «صَدِ دَرِ صَدِ، مُشَكَّلِي دَارِم وَ كَشُودَنِشِ بِهِ دَسْتِ تَوْسِتَ.»
قالَ النَّجَارُ: «ما هي مُشَكَّلَتِكِ؟» أَجَابَ حَمِيدٌ: «ذَلِكَ بَيْتُ جَارِي؛ هُوَ أَخِي وَ

نَجَارِي گَفَتْ: «مُشَكَّلَتِ چِيَستِ؟» — حَمِيدٌ پَاسِخَ دَادَ: «آنْ خَانَةُ هَمْسَاءِيَةٍ مِنْ اَسْتِ؛ او بِرا در وَ
عَدُوِي؛ اُنْظُرْ إِلَى ذَلِكَ النَّهَرَ؛ هُوَ قَسْمُ الْمَزْرَعَةِ إِلَى نَصْفِينِ بِذَلِكَ النَّهَرِ؛ اَنَّهُ
دَشْمَنِ مِنْ اَسْتِ؛ بِهِ آنْ رَوَدَ خَانَه نَكَاهَ كَنْ؛ او مَزْرَعَه رَا با آنْ رَوَدَ دُو قَسْمَتْ گُرَدَه؛ قَطَعَا او رَوَدَ خَانَه
حَفَرَ النَّهَرَ لِأَنَّهُ غَضِيبٌ عَلَيْ. عِنْدِي أَخْشَابٌ كَثِيرَةٌ فِي الْمَخْنَنِ؛ رَجَاءً، اَصْنَعْ
رَا گَنْدَ چَرَا كَه او بِرَّ مِنْ خَسْمَكِينِ اَسْتِ (چُونَ اَز دَسْتِ مِنْ عَصَبَانِي اَسْتِ لَذَا آنْ رَوَدَ خَانَه رَا گَنَدَ).

جَدارًا خَشِيبًا بَيْتَنَا». من دَرِ اَنبَارِ چَوبَهایِ قَرَاوَانِي دَارِم؛ خَواهِشِمِنَدِمِ مِيَانِ ما يَكِ دِيَوَارِ چَوبَهِ بَسَازِ .

لَمْ قَالَ لِلنَّجَارِ: «أَنَا أَذْهَبُ إِلَى السَّوقِ وَأَرْجِعُ مَسَاءً». عِنْدَمَا رَجَعَ حَمِيدٌ إِلَى مَزْرَعَتِهِ
سَبِسِ بِهِ نَجَارِي گَفَتْ: «مِنْ بِهِ بازَارِ مِنْ رَوَمْ وَ شَبَانَكَاه بِرِّ مِنْ گُرَدَمٌ.» وَقَتِي حَمِيدٌ دَعَادِمَ غَرَوبَ بِهِ
مَسَاءً تَعَجَّبَ كَثِيرًا؛ النَّجَارُ مَا صَنَعَ جَدارًا؛ تَلَ صَنَعَ حَسْرًا عَلَى النَّهَرِ؛ فَغَضِيبَ
مَزْرَعَه اَشِ بِرَگَشَتْ خَيلِي گَشْتَ زَدَهَ شَدَهَ؛ (چُونَ) نَجَارِي يَكِ دِيَوَارَ سَاخَتَ، بِلَكِهِ روَى رَوَدَ خَانَه بِلِي سَاخَتَ
حَمِيدٌ وَقَالَ لِلنَّجَارِ: «مَاذَا فَعَلْتَ؟! لَمْ صَنَعْتَ جَسْرًا؟!»

پِسِ حَمِيدِ خَسْمَكِينِ شَدَ وَ بِهِ نَجَارِي گَفَتْ: «جَهِ كَارِ گُرَدِ؟ چَرَا بِلِي سَاخَتِ؟»
في هذا الوقت وَصلَ سَعِيدٌ وَ شاهَدَ حَسْرًا فَخَسِبَ أنْ حَمِيدًا أَمْرَ بِصُنْعِ الْجِسْرِ؛
در اين هنگام سَعِيدَ رسِيدَ وَ بِلِي رَا دِيدَ پِسِ گَمانَ گَرَدَ كَهِ حَمِيدٌ دَسْتُورَ سَاخَتَنَ بِلِ رَا دَادَ،
فَفَعَلَ الْجِسْرَ وَ بَدَا بِالْبُكَاءِ وَ قَبْلِ أَخَاهُ وَ اَعْتَذَرَ؛

پِسِ اَزْ بِلِ گَذَشَتَ وَ بِهِ كَرِيهِ اَفَتَادَ وَ (صُورَتْ) بِرا در شَرِشِ رَا بُوسِيدَ وَ بُوزَشِ خَواستَ
ذَهَبَ حَمِيدٌ إِلَى النَّجَارِ وَ شَكَرَهُ وَ قَالَ: «أَنْتَ ضَيْفِي لِثَلَاثَةِ أَيَّامٍ».

حَمِيدٌ بِهِ سَوَى نَجَارِ رَفَتَ وَ اَزَشَ تَشَكَّرَ كَرَدَ وَ گَفَتْ: «تَوْ بِرَايِ سَهِ رَوَزْ مَهْمَانِ مَنْسِيِ.»
اعْتَذَرَ النَّجَارُ وَ قَالَ: «جَسْرُورَ كَثِيرَةٌ بِاقِيَهُ؛ عَلَى الْدَّهَابِ لِصُنْعَهَا».

نَجَارِ عَذَرَ خَوَاهِي گَرَدَ وَ گَفَتْ: «بِلِ هَاهِي زِيَادَيِ مَانَدَه كَهِ بِرَايِ سَاخَتَشَانَ بَایِدَ بِرُومَ .»

مِنْ كَلَامِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ :

إِنَّمَا لَا يَتَظَلَّلُ اللَّهُ إِلَيْهِمَا: قَاطِعُ الرَّاجِمِ وَ جَارُ السَّوْءِ.

(دو گروه اند که خداوند به آنان نکاه نمی گند: بُرْنَدَه بِيُونَدَه خویشی و همسایه بد

درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را بر اساس حقیقت بنویسید.

۱. الْفَلَاحُ يَعْمَلُ فِي الْمَزْرِعَةِ وَ الْمَوْظَفُ يَعْمَلُ فِي الْإِدَارَةِ.

کشاورز در مزرعه و کارمند در اداره کار می‌کند.

۲. مَرْقُدُ الْإِمَامِ الثَّالِثِ فِي مَدِينَةِ مشهد فِي مُحَافَظَةِ خراسان.

مرقد امام سوم (ع) در شهر مشهد در استان خراسان است.

۳. الْمَخْرَنُ مَكَانٌ تَجْعَلُ وَ تَحْفَظُ فِيهِ أَشْيَاءً مُخْلَفَةً.

انبار جایی است که در آن چیزهای گوناگونی می‌گذاریم و نگهداری می‌کنیم.

۴. بَعْدَ تَصَادُمِ سَيَارَتَيْنِ يَاتِي شَرْطَيُ الْمُرْوُرِ.

پس از برخورد دو ماشین پلیس راهنمایی و رانندگی می‌آید.

۵. الْجِسْرُ مَكَانٌ يَرْفَدُ فِيهِ الْمَرْضَى لِلِّعْلَاجِ.

بل، مکانی است که بیماران برای درمان در آن استراحت می‌کنند.

الثَّمَرِينُ الثَّانِي

جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



رجاء، إِلَعْبِي مَعَنَا كُرَّةَ الْمِنْضَدَّ.
لَطْفًا بِا مَا تَيِّسَ روِيْ مِيزَ بازِيْ كَنْ .



رجاء، إِلَعْبَ مَعَنَا كُرَّةَ الْقَدْمَ.
لَطْفًا بِا مَا فُوتِبَالَ بازِيْ كَنْ .

الثَّمَرِينُ الثَّالِثُ

آیات شریفة زیر را ترجمه سپس فعلهای امر را معلوم کنید.

٢٤

۱. رَبَّنَا أَمَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاجِحِينَ ﴿١٠﴾ المؤمنون

«پروردگارا، ما ایمان آوردیم؛ پس ما را بیامرز و به ما رحم کن و تو بهترین درگذرنده‌گانی «اغفر، ارحم

۲. إِجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقَى فِي الْآخِرِينَ ﴿٨٤﴾ الشَّعْرَاءُ

ابراهیم (ع) : ... نَامَ مَرَا بِرْ زِبَانَ آيِنَدَگَانَ نِيكَوْ (و سخن دلپذیر) گردان * اجعل

۳. رَبَّنَا أَمَّا فَاكِثْبَنَا مَعَ الْقَاهِدِينَ ﴿٨٣﴾ المائدَةُ

«پروردگارا، (ما) ایمان آوردیم، پس (نام) ما را در فهرست گواهان بنویس؛ *اكتب

۴. ... أَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿١٤٧﴾ آل عمران

«ما را بِرْ تَزوِهِ كَافِرَانَ يَارِي ده . *أنصر

● هر کلمه را در جای مناسب از جدول بنویسید.

صِعَاب / صَالِحَات / رَاحِمُونَ / زَوْجَة / جِسْرَين / تِلْمِيذَات

جمع مذكر	جمع مؤنث سالم	جمع مذكر سالم	مثنى مؤنث	مثنى مذكر	مفرد مؤنث
صِعَاب	صَالِحَات	رَاحِمُونَ	تِلْمِيذَات	جِسْرَين	زَوْجَة

الْتَّمْرِينُ الْخَامِسُ

٢٥

● ترجمه کنید.

برادرم ، کلام معلم ما را گوش کن (بِشَنُو) .

١. يا أخِي، إِسْمَعْ كلام مُدَرِّسنا.

خواهرم ، (با اندیشه و قلاش خود) آینده ات را بساز .

٢. يا أخْتِي، إِضْنَعِي مُسْتَقْبَلِكِ.

ای دانش آموز ، پروردگارَت را سپاس گوی .

٣. يا أَيُّهَا التَّلَمِيذُ، أَشْكُرْ رَبِّكِ.

ای دانش آموز (دختر) ، پروردگارَت را شکر کن .

٤. يا أَيُّهَا التَّلَمِيذَةُ، أَشْكُرِي رَبِّكِ.

الْتَّمْرِينُ السَّادِسُ

● گزینه مناسب را انتخاب کنید.

إِرْحَمُ □ أَسْجُدُ □

١. مَنْ فِي الْأَرْضِ، يَرْحَمُكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ .

از هر که در زمین اند در گذر تا آسمانیان به تو و حم گنند .

جِسْرًا □ مَخْرَنًا □

٢. الْمُهَندِسُونَ صَنَعُوا لِعَبُورِ السَّيَارَاتِ .

مهندسان برای عبور ماشین ها پل ساختند .

فَسْمَ □ حَسِبَ □

٣. سَعِيدٌ الْمَرْزَعَةَ إِلَى نَصْفِينِ بِذَلِكِ النَّهَرِ .

سعید با آن رودخانه ، مزرعه را به دو قسم تقسیم کرد .

رَقَدَ □ حَفَرَ □

٤. عَجَزَ الْمَرِيضُ فِي الْمُسْتَشْفَى .

بیمار ناتوان گشت بس در بیمارستان بستری شد .

أَحَبُّ □ غَضِبَانُ □

٥. ظَلَمَتْ صَدِيقَكَ فَهُوَ عَلَيْكَ .

به دوست ستم کردی بس او نسبت به تو خشمگین است .

مَلْعُوبٍ □ مَضْنَعٍ □

٦. جَارِنَا تَعْمَلُ فِي الْكَرَاسِيِّ .

همساية ما در صندلی سازی کار می گند .

● کلمه‌های مترادف و متضاد را دو به دو کنار هم بنویسید.

جمال / تلمیذ / عندهما / حزین / قبح / محنون / لما / شقاوة / طالب / سعاده

تلمیذ طالب / عندهما لما / حزین محنون

جمال قبح / شقاوة سعاده

كثرة الحكمة

● بخوانید و ترجمه کنید.

۱. إعْلَمْ أَنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّابِرِ. رسول الله ﷺ

یدان که پیروزی باشکیایی همراه است.

۲. لَا يَشْكُرُ اللَّهُ مَنْ لَا يَشْكُرُ النَّاسَ. رسول الله ﷺ

خدا را سپاس نمی کوید کسی که از مردم تشکر نکند

۳. أَغْرِيَ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ الْكِتَابِ الْإِخْوَانِ. الإمام عليؑ

ناتوان ترین مردم کسی است که از بدست آوردن دوست ناتوان شود.

۴. إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدْوَكَ؛ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ. الإمام عليؑ

هر کاه بر دشمنت قدرت یافته؛ پس گذشت را شکرانه توانایی (خود که از سوی خدادست) بر او قرار بده.

۵. الْعِلْمُ وَ الْمَالُ يَسْتَرِانِ كُلَّ عَيْبٍ وَ الْجَهْلُ وَ الْفَقْرُ يَكْتِشِفَانِ كُلَّ عَيْبٍ. رسول الله ﷺ

دانش و دارایی، هر نایسندي و زشتی را می پوشانند، و نادانی و نداری پرده هر زشتی را باز می کن

۱. النصر: پیروزی.

۲. حرف «ل» در «اعلمل» در جمله «...اعلمل العفو...» برای راحتی تلفظ، علامت کسره گرفته است؛ زیرا تلفظ دو حرف ساکن در کنار هم در زبان عربی مشوار است. (اعلمل العفو).

درس چهارم

الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْقَرَاج

وَقَعَتْ هَذِهِ الْحَكَايَةُ قَبْلَ أَرْبَعِينَ سَنَةً فِي بَلَادِ دَهْبَ الْأَنْدَاعَشَرَ طَالِبًا مِنْ طَلَابِ
الجَامِعَةِ مَعَ أَسْتَاذِهِمْ إِلَى سَفَرَةِ عِلْمِيَّةِ لِتَهْيَةِ
اسْتَادِ اِنْشَاءِنْ بِرَايِّ كُورِدَآورِي بِرْوَهُسْ هَاهِي



أَنْجَاهُ عَنِ الْأَسْمَاكِ؛ كَانَتْ مَاهَةُ الْبَحْرِ هَادِئَةً؛ فَجَاءَ
دَرِبَارَهُ مَاهِيَّا بِهِ كُرْدَشِ عَلْمِيٍّ رَفِيْنَدَهُ . آبَهَايِّ دَرِبَا آرَامَ بُودَهُ
ظَهَرَ سَحَابٌ فِي السَّمَاءِ؛ ثُمَّ عَصَفَتْ رِياْخَ شَدِيدَهُ
نَاهِيَانَ اِبْرِي در آسَمَانَ نَمُودَارَ شَدَسِيسَ بَادَهَايِّ شَدِيدَيِّ وَزِيدَ
وَصَارَ الْبَحْرُ مَوَاجِهًًا . فَأَصَابَتْ سَفِيَّتَهُمْ صَخْرَهُ؛
وَدَرِبَا طَوْفَانِي شَدَسِيسَ كَشْتَى آنَهَا بِهِ تَخْتَهُ سَنْكَى بِرْخُورَدَهُ؛ پَسَ تَرْسِيدَنَدَهُ

فَخَافُوا؛ السَّفِيَّةُ الْكَسَرَتْ قَلِيلًا وَلَكِنَّهَا مَا غَرَقَتْ؛ عِنْدَمَا وَصَلَوَا إِلَى جَزِيرَةِ مَجْهُولَةِ،
كَشْتَى كَمَى سَكَسَتْ وَلَى غَرَقَ نَشَدَهُ؛ وَقَتِي بِهِ جَزِيرَةُ نَاشَاخَتَهُ اِي رِسِيدَنَدَهُ
فَرَحَوَا كَثِيرًا وَشَكَرُوا رَبِّهِمْ وَنَزَلُوا فِيهَا؛ مَضَى يَوْمَانَ؛ فَمَا وَجَدُوا أَخَدًا فِي الْجَزِيرَةِ
پَسَ خَيْلَيْ خُوشَحَالَ شَدِيدَهُ وَبِرْرُورِدَكَارِشَانَ رَايِّ سَيَّاسَ كَفِنَدَهُ وَدَرَ آنَ (جَزِيرَهُ) بَابِسَنَدَهُ
وَمَا جَاءَ أَخَدُ لِتَجَاتِهِمْ؛ قَالَ لَهُمُ الْأَسْتَادُ
وَرُوزَ گَذَشَتْ؛ پَسَ كَسَى رَايِّ جَزِيرَهُ نِيَافِنَدَهُ وَهِيجَ كَسَ بِهِ كَمَكَشَانَ (نَيزَ) نِيَامَدَهُ؛ اِسْتَادَ كَفَتْ؟
«يَا شَبَابُ، عَلَيْكُمْ بِالْمُحاوَلَةِ . اِسْمَعُوا كَلَامِي وَأَعْمَلُوا بِهِ كَانَهُ مَا حَدَثَ شَيْءَهُ.
» اِي جَوَانِانَ، شَمَا بَايْدَ تَلَاشَ كَنِيدَهُ . سَخَنَ مَرَا گُوشَ كَنِيدَهُ وَبَدَانَ عَمَلَ كَنِيدَهُ ،
عَلَيْكُمْ بِمُواصِلَةِ اِبْحَاثِكُمْ .

كُوبَا چَبِرِي رِخْ نِسَادَهُ، شَمَا بَايْدَ بِهِ بِرْوَهُسْ هَاهِيَانَ اِدَامَهُ دَهِيدَهُ .
لَمْ قَسْمُهُمْ إِلَى أَرْبَعَةِ أَفْرَقَهُ وَقَالَ لِلْفَرِيقِ الْأَوَّلِ
سَپَسَ آنَهَا رَايِّ چَهَارَ كَرُوهَ تَقْسِيمَ كَرَدَهُ وَبِهِ كَرُوهَ نَخْسَتَهُ كَفَتْ
«يَا طَلَابُ، اِنْجَثَوَا عَنْ صَبَدَهُ وَاجْمَعُوا الْحَطَبَ .»
«اِي دَانِشْجُويَانَ، دَنِيَالَ شَكَارَ بَكْرَدِيدَهُ وَهِيزَمَ جَمْعَ كَنِيدَهُ .»
وَقَالَ لِلْفَرِيقِ الثَّانِي؛ «يَا طَالِبَانَ، اِجْلِبَا بَعْضَ الْأَشْيَاءِ الْضَّرُورِيَّةِ مِنَ السَّفِيَّةِ .»
وَبِهِ دَوْمِينَ كَرُوهَ كَفَتْ؛ «اِي دَانِشْجُويَانَ، بُوْخِي چَبِرِي هَامَرَ نِيَازَ رَايِّ كَشَتِي بِيَاوِرِيدَهُ .»
وَبِهِ كَرُوهَ سَوْمَ كَفَتْ؛ «اِي دَخْتَرَانَ دَانِشْجُوَ، بِرَايِمانَ غَدَا بِرِيزِيدَهُ .»
وَقَالَ لِلْفَرِيقِ الرَّابِعِ؛ «يَا طَالِبَانَ، اِنْجَثَوَا عَنْ مَوَادَ غَدَائِيَّةَ .»
وَبِهِ جَهَارَ مِنْ كَرُوهَ كَفَتْ؛ «اِي دَانِشَ جَوِيَانَ، دَنِيَالَ مَوَادَ غَذَائِيَّ بَكْرَدِيدَهُ .»
لَمْ قَالَ لِلْجَمِيعِ؛ «اِصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»؛ مَضَى أَسْبَوعَ، فِي يَوْمِ مِنَ
سَپَسَ بِهِ هَمَهَ كَفَتْ؛ «شَكِيَّا بَاشِيدَ جَوْنَ خَدَا بَاشِيَّا بِيَانَ اِسْتَ .» دَرَ رُوزَهَا اِزْ رُوزَهَا، بَارَانَ شَدِيدَهُ
الْأَيَّامَ تَرَزَلَ مَطَرَ شَدِيدَهُ وَأَصَابَتْ صَاعِقَةً سَفِيَّتَهُمْ فَاخْتَرَقَتْ . قَالَ الْطَّلَابُ؛ «لَا رَجَاءَ
فَرَوْ آمِدَ وَصَاعِقَهُ اِي بِهِ كَشَتِي آنَانَ بِرْخُورَدَهُ كَرَدَ آنَكَاهَ (كَشَتِي) آتَشَ كَرْفَتَهُ دَانِشْجُويَانَ كَفِنَدَهُ؛ اِمِيدِي بِهِ
لِتَجَاتِنَا .» فَقَرَأَ الْأَسْتَادُ هَذِهِ الْأَيَّةَ «يَا اِيَّاهَا الدِّينَ اَمْنَوْ اَصِيرُوا .»
نِجَاتِنَا نِيَستَهُ .» پَسَ اِسْتَادَ اِنَنَ آيِهِ رَا خَوَانِدَهُ «اِي كِسَانِي كَهِ اِيَّامَ آوَرِدِيدَهُ، صَبَرَ وَشَكِيَّا بِيَسَ وَرِزِيدَهُ .»
دَانِشْجُويَانَ نَارِاحَتَ شَدِيدَهُ وَكَفِنَدَهُ؛ «كَشِيَّسَمَانَ رَايِّ دَسَتَ دَادِيمَ .»
وَبَعْدَ اِدَاءِ الصَّلَاةِ وَالدُّعَاءِ صَرَخَ أَخَدُهُمْ بَغْلَةً
وَپِسَ اِزْ نِيَازَ وَدَعَا يَكِي اِزْ آنَهَا فَرِيَادَ زَدَهُ .
«اِي هَمَكَلاسِي هَا مِنْ تَعَاهَ كَنِيدَهُ، اِي هَمَكَلاسِي هَايِّ مِنْ تَعَاهَ كَنِيدَهُ؛ آنَهَا كَشَتِي جَنَّكَى اِسْتَ .» كَهِ بِهِ مَا نِزَدِيكِ مِنَ
الْسَّفِيَّةِ الْحَرَبِيَّةِ اِقْتَرَبَتْ مِنْهُمْ وَتَرَزَلَ مِنْهَا جُنُودُهُ . فَرَخَ الْطَّلَابُ وَسَالَوَا الْجُنُودَ
كَشَتِي جَنَّكَى بِهِ آنَهَا نِزَدِيكِ شَدَ وَسَرِبَازَانِي اِزْ آنَ پَابِسَنَدَهُ . دَانِشْجُويَانَ شَادَ شَدِيدَهُ
«كَيْفَ وَجَدْتُمْ مَكَانَنَا؟» وَاِزْ سَرِبَازَانَ بِرِسِيدَنَدَهُ؛ «جَكْونَهُ مَكَانُهُ مَا رَا يَافِتَيدَهُ؟»

أَجَابَ الْجُنُودَهُ؛ «رَأَيْنَا دَخَانًا مِنْ بَعِيدٍ . قَاتِنَّا وَشَاهَدَنَا مَنْ .»

رِبَازَانَ كَفِنَدَهُ؛ «دَوَدِي رَا اِزْ دُورِ دِيدِيمَ پَسَ آمِدِيمَ وَشَمَا رَا مَشَاهِدَهُ كَرِدِيمَ .»

● توضیحات زیر مربوط به کدام واژه جدید از درس است؟

١. بِلَادٍ كَبِيرَةً جِدًا فِي شَرْقِ آسِيا. كَشُورِي اسْتَخِيلِي بِزُوْك در شرق آسيا . *الصين*
٢. إِدَامَةُ الْعَمَلِ وَالْإِسْتِمْرَازُ عَلَيْهِ. ادَامَه کار و پیوسته انجام دادن آن است . *المواصلة*
٣. شَيْءٌ ضَرُورِيٌ لِلْحَيَاةِ، تَشَرِّبُهُ وَلَا تَوْنَ أَلَهُ رُوك است . *الماء*
٤. اسْتَادٌ در آن تدریس می کند و دانشجویان از آن بیرون يُدَرِّسُ فِيهَا الْأَسْتَادُ وَيَتَخَرَّجُ مِنْهَا الطُّلَابُ مَنِ آيَنَد . *الجامعة*
٥. الَّذِينَ وَصَلُوا إِلَى سِنِ الْبُلوغِ وَلَيْسُوا أَطْفَالًا. کسانی که به سن بلوغ رسیدند و کودک نیستند . *الشاب*
٦. مَجْمُوعَةٌ مِنَ الرِّيَاضِيِّينَ أَوْ جَمَاعَةٌ مِنَ الرِّمَلَاءِ فِي الْعَمَلِ. گروهی از ورزشکاران ، همکاران در کار کردن . *الفريق*

الْتَّمْرِينُ الثَّانِي

● جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



يا صديقاتي، رجاء، أخْرُجْنَ مِنَ الْمَكْتَبَةِ.
اي دوستانم ، خواهشمندم ،
از کتابخانه برويد بیرون .

يا أصدقاء، رجاء، أخْرُجُوا مِنَ الصَّفَّ.
اي دوستانم ، لطفاً ،
از کلاس خارج شويد .



يا صديقاتان، أكْثُبَا جَوابَ السُّؤَالَيْنِ.
اي دوستانم ، پاسخ
دو پرسش را بنویسید .

يا صديقاتان، إخْمَلَا هَذِهِ الْمِنْضَدَةَ.
اي دوستانم ،
اين ميز را برداوريد .

● آیات شریفه زیر را ترجمه سپس فعل های امر را معلوم کنید.

١. ﴿رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي﴾ (القصص ١٦)

«پروردگار، همانا من به خودم ستم کردم پس مرا بیامرز . » *اغفر

٢. قَالَ اللَّهُ لِمُوسَى وَهَارُونَ ﴿إِذْهَبَا إِلَى فِرْعَوْنَ﴾ طه ٤٣

«ای موسی و هارون ، سوی فرعون بروید چون او گردانکشی کرد . » *اذهبا

٣. ﴿رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ المؤمنون ١١٨

«پروردگار، بیامرز و درگذر چراکه تو بهترین رحم کنندگانی . » *اغفر

٤. ﴿... إِغْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ المؤمنون ٥١

وقتی به فرشتگان گفتیم ، به آدم سجده کنید پس سجده کردند *أسجدوا

٥. ﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةَ اسْجُدُوا لِلَّادَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ﴾ البقرة ٢٤

کارهای شایسه انجام دهید چراکه من به آنچه می کنید آگاهم . » *اعملوا

● جمله های عربی را به فارسی ترجمه کنید و بنویسید چرا ترجمة فارسی یکی است؟

چرا ترجمه یکی است؟	ترجمة فارسی	جمل عربی
چون در زبان فارسی ، مشنی و جمع و مذکرو و مؤنث برابر است .	ای دانش آموزان ، به فروآمدن باران بنتکرید .	يا طلاب، انتظروا إلى نزول المطر. يا طالبات، انتظرن إلى نزول المطر .
چون در زبان فارسی ، مشنی و جمع و مذکرو و مؤنث برابر است .	ای دانش آموزان ، لباس های مناسبی بپوشید	يا طالیان، إلبسا ملابس مناسبة. يا طالیتات، إلبسا ملابس مناسبة .

● هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید. «یک کلمه اضافه است.»

- | | |
|--|---------------------|
| <input type="radio"/> مَكَانٌ لِلتَّعْلِيمِ الْعَالِيِّ بَعْدَ الْمَدْرَسَةِ. | ١. قاطِطُ الرَّحْمِ |
| <input type="radio"/> مَكَانٍ أَسْتَ بِرَأْيِ آمْوَازِشِ بِالْأَتْرِ پَسْ أَزْ مَدْرَسَه . (دانشگاه) | ٢. الْمُواصَلَةُ |
| <input type="radio"/> هُوَ الَّذِي لَا يَذْهَبُ لِزِيَارَةِ أَقْرَابِهِ. | ٣. الْجَامِعَةُ |
| <input type="radio"/> أَوْ كَسِيٌّ أَسْتَ كَهْ بِدِيدَارِ خُوبِشَانِ نَمِيِّ رَوَدْ . (قطع کننده خوبیشی) | ٤. الْحَاطِبُ |
| <input type="radio"/> أَلْشِنِيُّهُ الَّذِي يَصْبَعُ مِنَ النَّارِ. | ٥. الْدُّخَانُ |
| <input type="radio"/> چِيزِیِّ کَهْ اَزْ آتِشِ بَالَّا مِیِّ رَوَدْ . (دود) | ٦. الْفَرَجُ |
| <input type="radio"/> أَخْشَابٌ مُنَاسِبَةٌ لِلَاخْتِرَاقِ. | |
| <input type="radio"/> چُوبٌ هَایِ مُنَاسِبَیِّ أَسْتَ بِرَأْيِ سُوْخَنْ . (هیزم) | |
| <input type="radio"/> حَلُّ الصُّعَابِ وَالْمُشَكِّلَاتِ. | |
| <input type="radio"/> كَشُودَنِ سُختِیِّ وَدَشْوارِیِّ هَا . (گشايش) | |

كَنْزُ الْحِكْمَةِ

● بخوانید و ترجمه کنید.

١. لَا عَمَلَ گَالِلَّ تَحْقِيقِ.

هیچ کاری چون پژوهش نیست

٢. الْعِلْمُ أَصْلُ كُلَّ خَيْرٍ وَالْجَهَلُ أَصْلُ كُلَّ شَرٍّ.

دانایی ریشه هر خوبی و نادانی پایه هر بدی است .

٣. أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالضَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ.

دانش را بجوابید گرچه در چین باشد پس دانش جویی واجب است .

٤. خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْعِلْمِ وَشَرُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْجَهَلِ.

بهره و نیکی دنیا و آخرت در دانش و بدی دنیا و آخرت با نادانی همراه است .

٥. لَيْسَ الْعَاقِلُ مَنْ يَعْرِفُ الْخَيْرَ مِنَ الشَّرِّ وَلَكِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ يَعْرِفُ خَيْرَ الشَّرَّيْنِ .

خودمند آن نیست که خوبی را از بدی بشناسد ، لکن خردمند کسی است که بهترین دو شر را بشناسد .

کانَتْ مَجْمُوعَةً مِنَ الْحَيَّوَانَاتِ فِي غَابَةٍ: أَسَدٌ وَ تَلْعُبٌ وَ ذئْبٌ وَ غَزَالٌ وَ كَلْبٌ وَ ...
گروهی از جانوران در جنگلی بودند؛ شیر، روباه، گرگ، آهو، سگ و



فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ جَاءَ سِتَّةُ صَيَادِينَ وَ حَفَرُوا حُفْرَةً عَمِيقَةً ثُمَّ سَتَرُوهَا
در روزی از روزها، شش شکارچی آمدند و گودال عمیقی کنندند سپس (روی)
لصید الحیوانات و بیعها لحدیقة الحیوانات. وقع الثعلب و الغزاله في الحفرة
آن دایرای شکار حیوانات و فروش (آن ها) به باغ وحش پوشاندند. ناگهان یک روباه و (یک) آهو
بغضه؛ فطلبًا مساعدة؛ لكن الحیوانات هرین؛ لأنهن سمعن من بعيد اصوات
در حاله افتادند پس کمک خواستند؛ اما حیوانات گریختند، چراکه آنان از دور صداهای
الصَّيَادِينَ.

حاوَلَ الثَّعْلَبُ وَ الْغَزَالَةُ لِلنَّجَاهِ.

شکارچیان را شنیدند. روباه و آهو برای نجات تلاش کردند.

بعد دقائق رجعت حمامه و قالت للثعلب: «لا فائدة للمحاولة. لا تتصعد. أنت لا
پس از جند دقیقه، یک کبوتر به روباه گفت: تلاش کردن سودی ندارد. بالا نیا.
تقدر. لقد جرحت بندنک».

تو نمی تواني. بدنست راز خمي کرده ای.

و رجع الكلب و قال للغزاله: «لا رجاء لنجاتك. لا تصعدى. أنت لا تقدرین.

و یک سگ (هم) به آهو گفت: «امیدی برای نجات نداری.

لقد جرحت بندنک».

بالا نیا. تو نمی تواني. بدنست راز خمي کرده ای. . «

حاوَلَ الثَّعْلَبُ وَ الْغَزَالَةُ الْخُرُوجَ مَرَةً أُخْرَى وَلَكِنْ بِدُونِ فَائِدَةٍ.

روباه و آهو بار دیگر برای بیرون آمدند تلاش کردن اما بی فایده است.

تسبَّتِ الْغَزَالَةُ وَ بَقِيَتْ فِي مَكَانِهَا وَلَكِنَّ الثَّعْلَبَ حَاوَلَ كَثِيرًا.

آهو نامید شد و سرجایش ماند، اما روباه خیلی تلاش کرد.

قالَتْ لَهُ الْحَمَامَةُ: «أَنْتَ لَا تَقْدِرُ، لَمْ تُحاوِلْ؟! إِقْبَلَ مَصِيرَكَ».

کبوتر به او گفت: تو نمی تواني، چرا تلاش می کنی؟ سرنوشت خود را بپذیر!

لكن الثعلب خرج من الحفرة. في ذلك الوقت وصل هدھد و قال: «أنا أغرف

بدنت راز خمي کرده ای ولی روباه از گودال بیرون آمد در آن هنگام یک شانه به سر (هدھد) آمد

هذا الثعلب؛ هو ظلن آن الحمامه شجعه علی الخروج.

و گفتمن این روباه را من شناسم؛ او کم شنواست؛ او گمان کرد که کبوتر او را برای بیرون آمدن تشويق میکند

قالَتِ الْحَيَّوَانَاتُ: «تَحْنَ ظَلَمْنَا الْغَزَالَةَ، عَلَيْنَا بِمُسَاعَدَتِهَا».

حيوانات گفتند: ما (در حق) آهو ستم کردیم. ما باید کمک کنیم.

قالَتِ الْحَمَامَةُ لِلْغَزَالَةِ: «أَخْرُجِي. أَنْتَ تَقْدِرِينَ عَلَى الْخُرُوجِ بِسُهُولَةٍ. لَا تَنْيَا سِيِّ». «

کبوتر به آهو گفت: «بیرون بیا. تو می تواني به آسانی خارج شوی. نا اميد مشو. .

حاوَلَتِ الْغَزَالَةُ الْخُرُوجَ مَرَةً أُخْرَى فَخَرَجَتْ وَ فَرَحَتِ الْحَيَّوَانَاتُ.

آهو بکار دیگر برای بیرون آمدند تلاش کرد در نهایت بیرون آمد و حیوانات (همگی) خوشحال شدند.



درس پنجم

کانَتْ مَجْمُوعَةً مِنَ الْحَيَّوَانَاتِ فِي غَابَةٍ: أَسَدٌ وَ تَلْعُبٌ وَ ذئْبٌ وَ غَزَالٌ وَ كَلْبٌ وَ ...
گروهی از جانوران در جنگلی بودند؛ شیر، روباه، گرگ، آهو، سگ و



فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ جَاءَ سِتَّةُ صَيَادِينَ وَ حَفَرُوا حُفْرَةً عَمِيقَةً ثُمَّ سَتَرُوهَا
در روزی از روزها، شش شکارچی آمدند و گودال عمیقی کنندند سپس (روی)
لصید الحیوانات و بیعها لحدیقة الحیوانات. وقع الثعلب و الغزاله في الحفرة
آن دایرای شکار حیوانات و فروش (آن ها) به باغ وحش پوشاندند. ناگهان یک روباه و (یک) آهو
بغضه؛ فقط لبا مساعدة؛ لكن الحیوانات هرین؛ لأنهن سمعن من بعيد اصوات
در حاله افتادند پس کمک خواستند؛ اما حیوانات گریختند، چراکه آنان از دور صداهای
الصَّيَادِينَ. حَاوَلَ التَّلْعُبُ وَ الْغَزَالَةُ لِلنَّجَاهِ.
شکارچیان را شنیدند. روباه و آهو برای نجات تلاش کردند.

بَعْدَ دَقَائِقٍ رَجَعَتْ حَمَامَةٌ وَ قَالَتْ لِلتَّلْعُبِ: «لَا فَائِدَةَ لِلْمُحَاوَلَةِ، لَا تَصْعَدْ، أَنْتَ لَا
پس از جند دقیقه، یک کبوتر به روباه گفت: تلاش کردن سودی ندارد. بالا نیا.
تَقْدِيرُ، لَقَدْ جَرِحْتَ بَدَنَكَ».
تو نمی توانی. بدنست راز خمی کرده ای.

وَ رَجَعَ الْكَلْبُ وَ قَالَ لِلْغَزَالَةِ: «لَا رَجَاهَ لِنَجَاهِكِ، لَا تَصْعَدِي، أَنْتِ لَا تَقْدِيرِينَ.
و یک سگ (هم) به آهو گفت: «امیدی برای نجات نداری.
لَقَدْ جَرِحْتَ بَدَنَكَ».

بَالَا نِيَا، تَوْ نَمِيْ تَوَانِي، بِدَنَتْ رَازْ خَمِيْ كَرَدَهْ اِيِّ . «
حاوَلَ التَّلْعُبُ وَ الْغَزَالَةُ الْخُرُوجَ مَرَّةً أُخْرَى وَلَكِنْ بِدُونِ فَائِدَةِ .
روباه و آهو بار دیگر برای بیرون آمدن تلاش کردن امّا بی فایده است.
تَسْتَغْزِلُ الْغَزَالَةُ وَ يَقِيَّثُ فِي مَكَانِهَا وَلَكِنْ التَّلْعُبُ حَاوَلَ كَثِيرًا.
آهو نامید شد و سرجایش ماند، اما روباه خیلی تلاش کرد.
قَالَتْ لَهُ الْحَمَامَةُ: «أَنْتَ لَا تَقْدِيرُ، لَمْ تُحَاوِلْ؟! إِقْبَلَ مَصِيرَكَ».

کبوتر به او گفت: تو نمی توانی، چرا تلاش می کنی؟ سرنوشت خود را بپذیر؟
لَكِنْ التَّلْعُبَ خَرَجَ مِنَ الْحُفْرَةِ، فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ وَصَلَ هَدْهُدٌ وَ قَالَ: «أَنَا أَغْرِفُ
بدنت راز خمی کرده ای ولی روباه از گودال بیرون آمد در آن هنگام یک شانه به سر (هدھد) آمد
هذا الثعلب؛ هو ظلن آن الحمامنة شجعه علی الخروج.
و گفتمن این روباه را من شناسم؛ او کم شنواست؛ او گمان کرد که کبوتر او را برای بیرون آمدن تشویق میکند
قالت الحیوانات: تحن ظلمتنا الغزاله. علینا بمساعدتها.».

حَيَّوَانَاتٍ كَفَنَتْ: مَا (در حق) آهُو سَمٌ كَرَدِيْمِ . مَا بَايدَ كَمَكَشَ كَنِيْمِ .

قالت الحمامنة للغزاله: «آخرجي. أنت تقدرين على الخروج بسهولة. لا تنياسي.
کبوتر به آهو گفت: «بیرون بیا. تو می توانی به آسانی خارج شوی. نا امید مشو. «
حاوَلَتِ الْغَزَالَةُ الْخُرُوجَ مَرَّةً أُخْرَى فَخَرَجَتْ وَ فَرَحَتْ الْحَيَّوَانَاتِ.
آهو بکبار دیگر برای بیرون آمدن تلاش کرد در نهایت بیرون آمد و حیوانات (همگی) خوشحال شدند.

الْتَّمَارِينَ كُلَّهُ

التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ

● توضیحات زیر مربوط به کدام واژه جدید از درس‌های چهارم و پنجم است؟

١. مَكَانٌ يَذَهَبُ إِلَيْهِ النَّاسُ وَ يُشَاهِدُونَ فِيهِ حَيَوانَاتٍ مُخْتَلَفَةً.
جایی است که مردم به آن جا می‌روند و حیوانات گوناگونی را در آن می‌بینند. *حدائق الحيوانات
٢. السُّعْيُ وَ الاجْتِهادُ وَ مُواصَلَةُ الْعَمَلِ للنجاحِ في الحياة.
سعی و تلاش و ادامه دادن کار برای پیروزی در زندگی است. *الرَّجَاء
٣. حَيَوانٌ يَخْرُصُ أَمْوَالَ النَّاسِ.
حیوانی که از دارایی‌های مردم پاسپاری می‌کند. *كلب
٤. عَاقِبَةُ الْإِنْسَانِ في حَيَاةِهِ.
سرانجام انسان در زندگی اش. *مسیر
٥. الَّذِي لَا يَسْمَعُ جَيْدًا.
کسی که خوب نمی‌شنود. *نقيل السمع

التَّمَرِينُ الثَّانِي

● جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



يا حبيبي، لا تجعل حقيبتك هنا.

ای دوست من ،
کیفت را اینجا نگذار

يا حبيبي، لا تجعل حقيبتك هنا.

ای دوست من ،
کیفت را اینجا نگذار .

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ

آیات و احادیث زیر را ترجمه، سپس فعل‌های امر و نهی را معلوم کنید.^۱

۱. (رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ)

«اندوهگین مباش چون خدا با ماست .»^۲ لا تَحْزَن

۲. (لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا)

«بروردگارا ؛ ما را با قوم ستمکران قرار مده)»^۳ لا تَجْعَل

۳. إِذَا غَضِبْتَ فَاسْكُنْ.

« هرگاه خشمگین شدی پس ساكت شو . »^۴ أَسْكُنْ

۴. إِغْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَ اغْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا.

« برای دنیا است (چنان) کار کن که گویا همیشه زندگی می کنی
و برای آخرت است (چنان) کار کن که گویی فردا می میری . »^۵ إِغْمَلْ

^۱. الجملة الأولى في الثالثة آياتان من القرآن الكريم. التوطة ٤٠ والأعراف ٤٧ و الجملة الثالثة و الرابعة من رسول الله ﷺ.

^۲. أبداً : تابد، ابتدى

● ترجمه کنید.

١. اِزَرْعُ صَدَاقَةً وَ لَا تَرْزَعُ عَدَاوَةً. راستی و دوستی بسکار و دشمنی نسکار.

٢. أَسْكُتِي يَا طِفْلَةً وَ لَا تَضْرُبِي. ای بچه، ساکت شو و داد نزن.

٣. أَصْدُقُ فِي حَيَاتِكَ وَ لَا تَكْذِبْ أَبَدًا. در زندگی ات راست بکو (راستگو باش) و هرگز دروغ نکو.

٤. إِلْبَسْ قَمِيصًا أَبِيَضَ فِي اللَّيلِ لِعُبُورِ الشَّارِعِ وَ لَا تَلْبِسْ أَسْوَادَ.

شب هنگام برای گذر از خیابان، پیراهن سفید بپوش و سیاه نپوش.

● کدام گزینه از نظر معنا با سایر گزینه‌ها «ناهمانگ» است؟

آهنگر چواغ شیرنی فروش پلیس

١. حَدَاد □ مِصْبَاح □ حَلْوَانِي □ شُرْطِي □

هیزم آتش دود رستگاری

٢. حَطَب □ نَار □ دُخَان □ نَجَاج □

ماه ها جنگل روزها شب ها

٣. شهور غابة أيام لیالي

گرفت باران ابر ریح

٤. سَحَاب □ مَطَر □ أَخْذ □

تلاش کرد انکور سیب انار

٥. رُمَان □ عَنْب □ ثُفَاح □ جَد □

جلو زیر بالا دست

٦. كَبَر □ تَحْت □ فَوْقَ □ أَمَام □

آبی قرمز بازگن سبز

٧. أَرْقَق □ أحمر □ إِفْتَح □ أَخْضَر □

زیر هر تصویر نام آن را به عربی بتوانید.» دو کلمه اضافه است. «

الْحَمَّامَةُ / الْكَلْبُ / الْدَّنْبُ / الْزَّرَاقَةُ / الْعَصْفُورُ / الْغَرَالَةُ / الْسَّمَكَةُ / الْفَيْلُ / الْقَرْمُ /

الْأَسَدُ / الْتَّعَلْبُ



الْتَّعَلْبُ حَيَّوانٌ مَّكَارٌ.



الْزَّرَاقَةُ حَيَّوانٌ طَوِيلٌ.



الْسَّمَكَةُ فِي الْمَاءِ.



الْأَسَدُ سُلْطَانُ الْغَابَةِ.



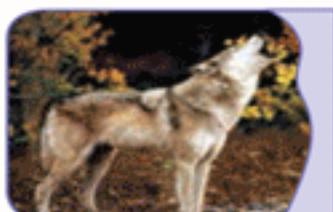
الْفَيْلُ حَيَّوانٌ كَبِيرٌ.



هَذِهِ **الْحَمَّامَةُ** جَمِيلَةٌ.



الْفَرَسُ حَيَّوانٌ تَجِيبُ.



الْدَّنْبُ حَيَّوانٌ حَرِيصٌ.



الْعَصْفُورُ طَائِرٌ صَغِيرٌ.

٢٣

٥٧

با استفاده از کلمات زیر، جدول را کامل کنید و رمز آن را به دست بیاورید.

- | | | | | | | | | |
|---|--|----|----|----|---|----|----|----|
| ١٦ | ١ | ٨ | ١١ | ١٤ | ٣ | ٤ | ٩ | ٢ |
| يُحاوِلُ / مُواصِلَةً / إِنْحَاثٍ / إِقْرَابٍ / شَجَعْنَا / نَزَّلْنَا / مُهِمَّةً / كَلْبٌ / ذَهَابً / | أَثْنَانً / مِهْنَةً / جَاهِلً / خَرَزِينً / إِذَا / أَسْنَانً / صَالِحً / | ١٥ | ٦ | ٥ | ٧ | ١٣ | ١٢ | ١٠ |

گنْزُ الْحِكْمَةِ

● بخوانید و ترجمه کنید.

قالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْعِلْمِ:

۱. «قَوْلٌ لَا أَغْلَمُ نِصْفُ الْعِلْمِ.»

(گفتن نمی دانم، نیمی از دانش است .)

۲. «مَنْ سَأَلَ فِي صِغَرِهِ، أَجَابَ فِي كِبَرِهِ.»

(هرگاه در خردسالی بپرسد، در بزرگسالی باسخ می دهد .)

۳. «كُلُّ شَيْءٍ يَنْفَضُ عَلَى الْإِنْفَاقِ، إِلَّا الْعِلْمُ.»

(هر چیزی با بخشیدن کم می شود جز دانش .)

۴. «جَمَالُ الْعِلْمِ تَشْرُهٌ وَثَمَرَةُ الْعَمَلِ بِهِ.»

(زیبایی دانش، انتشار آن و میوه اش عمل گردن به آن است .)

۵. «أَيُّهَا النَّاسُ، إِعْلَمُوا أَنَّ كَمَالَ الدِّينِ طَلْبُ الْعِلْمِ وَالْعَمَلُ بِهِ.»

(ای مردم، بدانید که کمال دین، دانش آموزی و عمل به آن است .)

درس ششم

سال تحصیلی جدید آغاز شد و دانش آموزان روستا به مدرسه رفتند. روستا کوچک و زیبا بود. خانم و جمله. دخلت المدرسة في الصف الرابع. كان الصف مزدحماً. قالت المدرسة آموزگار وارد کلاس چهارم شدند. کلاس شلوغ بود.

للبینین: «اجلسوا على اليمين». و قالت للبنات: «اجلسن على اليسار».

خانم معلم به پسران گفت. «سمت واست بنشینید. و به دختر خانم ها گفت: «سمت چپ بنشینید. هي شاهدت تلميذه راسبه باسم سارة». رسابت «سارة» عندها في السنة الماضية؛ او يك دانش آموز مردودي را ديد به نام «سارة» - پس ناراحت شد و برای مشاهده پرونده اش رفت تا فحزنت و ذهبت لمشاهده ملفها للاطلاع على ماضيها.

از (وضعیت سال) گذشته اش آگاه شود. في ملف السنة الاولى: هي تلميذه جيده جداً. تكتب واجباتها جيدها. هي

در پرونده سال اول (نوشته بود): او دانش آموز خيلي خوبی است. تکاليفش را خوب می نویسد. او کوشاد و زرنگ است و ذکریه.

در پرونده سال دوم: او دانش آموز بسيار خوبی است. أما غمکين است. مادرش در بيمارستان بستری است.

و في ملف السنة الثالثة: هي فقدت والدتها في هذه السنة. هي حزينة جداً.

در پرونده سال سوم: او در اين سال مادرش را از دست داد. او بسيار سوگوار و غمگين است.

و في ملف السنة الرابعة: هي تركت الدراسة ولا تحب المدرسة و تنام في الصف.

در پرونده سال چهارم: او درس خواندن را رها کرد و مدرسه را دوست ندارد و سر کلاس می خوابد. المدرسه لامت نفسها و غيرت طريقة تدريسها.

آموزگار در دلش پشيمان شد و روش تدريس خود را تغيير داد.

بعد مده في حفلة ميلاد المدرسه جلب التلاميذ هدايا لها و جلست سارة لمدرستها

پس از مدتی در جشن سالروز مدرسه، دانش آموزان برايش کادوهایی آوردند. و ساره (فيز) برای هدیه في ورقه صحيقه. كانت الهدية زجاجة عطر امها، فيها قليل من العطر،

آموزگارش هدیه آی که در کاغذ روزنامه (بیچیده بود) آورد. هدیه، شیشه عطر مادرش بود، کمی از عطر در آن (بود)، دانش آموزان خندیدند.

فضحک التلاميذ؛ فقالت المدرسة للبنين: «لا تضحكوا» و قالت للبنات: «لاتضحكن».

پس آموزگار به پسرها گفت: «نخندید»، و به دخترها گفت: «نخندید». معلم خودش را با آن عطر، المدرسه عطرت نفسها بذلك العطر.

معطر و خوشبو کرد.

جاءت سارة عند مدرستها و قالت: «رائحتك مثل رائحة أمي».

ساره پيش آموزگارش آمد و گفت: بوی تو مانند بوی (خوش) مادر من است.

شجعت المدرسه سارة؛ فصارت تلميذه مثاليه و بعد سنوات؛ استلمت المدرسه آموزگار نامه اى

رساله من سارة مكتوباً فيها: «أنت أفضل معلمه شاهدتها في حياتي. أنت غيرت

از ساره دریافت کرد که در آن نوشته بود: تو بهترین معلمی هستی که دو زندگی ام مشاهده کردم. مصيري. أنا الان طبيه».

و بعد مده، استلمت المدرسه رسالة أخرى من الطبيه تو سرفوشتم را دگرگون کردي. من اکنون بیشکم». و پس از مدتی، آموزگار نامه دیگری از پزشك

ساره؛ طلبت منها الحضور في حفلة زواجها و الجلوس في مكان أم العروس.

«ساره» دریافت کرد (که) از او خواست در جشن ازدواجش شرکت کند و به جای مادر عروس بنشیند.

عندما حضرت مدرستها في حفلة زواجها؛ قالت لها سارة: شکراً جزيلاً يا سیدتی؛ وقتی آموزگارش در جشن ازدواجش حاضر شد؛ ساره به او گفت: «خانمی، خيلي سپاسگزارم

أنت غيرت حياتي. فقالت لها المدرسه:

«تو زندگیم را عوض گردی». پس معلم به او گفت:

«لا يا بنتي، أنت غيرت حياتي؛ فعرفت كيف أدرس».

«دخلتهم؛ تو (فيز) زندگی مرا دگرگون کردي، پس شناختم چگونه درس بدhem».

 با توجه به متن درس پاسخ درست را انتخاب کنید.

- عَلَى الْيَمِينِ عَلَى الْيَسَارِ
- لِوَالِدِ سَارَةٌ لِوَالِدَةِ سَارَةٍ
- فِي الرَّابِعِ فِي السَّادِسِ
- صَحِيفَةٌ جِدَارِيَّةٌ زُجَاجَةٌ عِطْرٌ
- لا لَا

۱. أَيْنَ حَلَسَتِ النَّاتُ؟
دَخْتَرَانَ كَجا نَشَسْتَنَد؟

۲. لَمَنْ كَانَتْ زُجَاجَةُ الْعَطْرِ؟
شِيشَةُ عَطْرِ مَالْ چَهْ كَسَى بَوْد؟

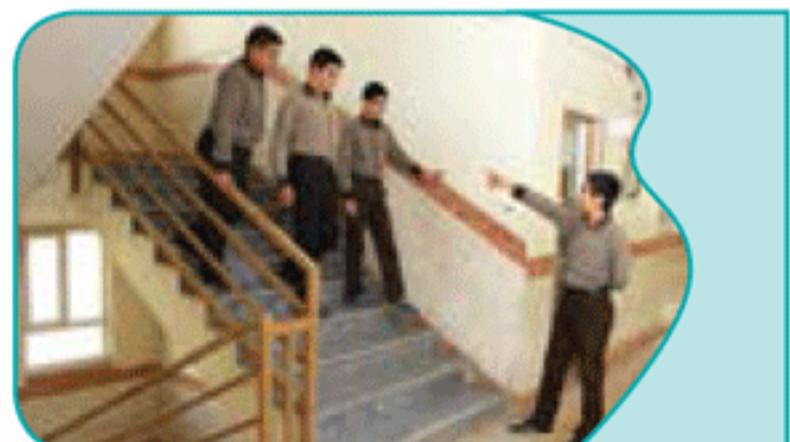
۳. فِي أَيِّ صَفَّ كَانَتْ سَارَةُ رَاسَةً؟
سَارَهْ كَدَامْ كَلاَسْ مَرْدُودَ شَدْ (بَوْد)؟

۴. مَاذَا كَانَتْ هَدِيَّةُ سَارَةُ لِمُدَرِّسَتِهَا؟
هَدِيَّهْ سَارَهْ بِرَأْيِ مَعْلَمَشْ چَهْ بَوْد؟

۵. هَلْ كَانَتْ الْهَدَى يَا بِمُنَاسَةِ حَفْلَةِ مَيْلَادِ الْمُدَرِّسَةِ؟ نَعَمْ
آيا كَادُوهَا بِهِ مَنَاسِبَتْ جَشْنَ سَالْكَرَدْ مَدْرَسَهْ بَوْد؟

فِعْلُ النَّهْيِ (۲) ﴿ (يَا أَوْلَادُ، لَا تَفْعَلُوا)، (يَا بَنَاتُ، لَا تَفْعَلْنَ)﴾

(يَا وَلَدَانِ، لَا تَفْعَلَا)، (يَا بِنْتَانِ، لَا تَفْعَلَا)



يَا زَمِيلَاتِي، رَجَاءً، لَا تَنْزِلْنَ، إِصْعَدْنَ.

يَا زُمْلَائِي، رَجَاءً، لَا تَنْزِلْوا، إِصْعَدْوا.

ای همکلاسی ها ، خواهشمندم ، پایین نیایید ، بالا بروید .



يَا زَمِيلَاتِنِ، رَجَاءً، لَا تَنْزِلْنِا؛ إِصْعَدا.

يَا زَمِيلَانِ، رَجَاءً، لَا تَنْزِلْنَا؛ إِصْعَدا.

● توضیحات زیر مربوط به کدام واژه جدید از درس است؟

١. الامتناع عن الطعام و الشراب لفريضة دينية.
خودداری از خوردن و آشامیدن برای واجب دینی . **الصوم**

٢. الشخص الذي يحب العمل ويحاول كثيراً.

كسي كه کار کردن را دوست دارد و بسیار تلاش می کند.

٣. صفة للمكان المملوء بالأشخاص والأشياء.
ويزگي مكان پر از اشخاص و اشیاء است.

٤. الطالب الذي لا ينجح في الامتحانات.

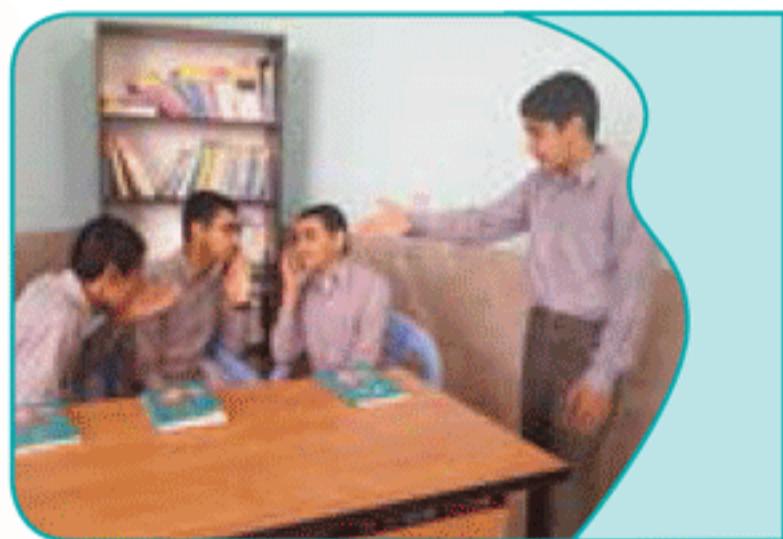
دانش آموزي كه در امتحانات قبول نمی شود .

٥. اجتماع الناس لفرح.

گوهد آمدن مردم برای شادی کردن .

التَّمْرِينُ الثَّانِي

● جمله های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



لا تَجْلِسْنَ هُنَاكَ؛ إِجْلِسْنَ هُنَا.

آن جا ننشینید، اینجا بنشینید.

لا تَكْشِفُوا عُيُوبَ أَصْدِقَائِكُمْ.

پوده از عیب های دوستانتان برندارید.



لا تَشْرَبِي مِنْ هَذَا الْمَاءِ.
از این آب نوش.



لا تَذْهَبِي مِنْ هَنَا.
از این جانرو.

۱. ﴿أَكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ﴾ الأعراف ۱۵۶

«برای ما در این دنیا و در آخرت نیکی بنویس» (اعراف: ۱۵۶) **أَكْتُبْ : امر**

۲. ﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ الأعراف ۴۷
«پروردگارا، ما را با ستمگران قرار نده» (اعراف: ۴۷) **لَا تَجْعَلْنَا : نهی**

۳. قالَ اللَّهُ لِإِدَمَ وَ حَوَّاءَ : ﴿لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ﴾ الأعراف ۱۹

خدا به آدم و حوا فرمود: «به این درخت نزدیک نشوید.» (اعراف: ۱۹) **قال : ماضی
لَا تَقْرَبَا : نهی**

۴. ﴿وَ اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ ...﴾ المُزَمَّل ۱۰

«(ای پیامبر) در بواب آن چه می گویند شکیبا باش» (مزمل: ۱۰) **اصبِرْ : امر
يَقُولُونَ : مضارع**

۵. ﴿وَ اشْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ ...﴾ النحل ۱۱۴

«ونعمت خدا را سپاس گویید.» (نحل ۱۱۴) **اشْكُرُوا : امر**

۶۷

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ

فعالهای زیر را در جدول قرار دهید و معنایشان را بنویسید.

سوفَ يَسْكُث / أَتْرُك / لا يَدْرُسُ / ظَاهِرٌ / تَعْرِفِينَ / لَا تَحْضُرُ / ما طَبَخْت

يَنْفَعُ / لَا يَصْرُخُ / لَا تَحْسَبْ / قَذَفْتُمْ / سَتَحْفَظُونَ / ما رَسَّمْنَا / اِشْرَبْ

قَذَفْتُمْ	ظَاهِرٌ	ماضی
ما طَبَخْت	ما رَسَّمْنَا	ماضی منفي
يَنْفَعُ	تَعْرِفِينَ	مضارع
لا يَصْرُخُ	لا يَدْرُسُ	مضارع منفي
اِشْرَبْ	أَتْرُك	امر
لَا تَحْسَبْ	لَا تَقْطَعْ	نهی
سَتَحْفَظُونَ	سوْفَ يَسْكُثُ	مستقبل

كَنْزُ الْحِكْمَةِ

● بخوانید و ترجمه کنید.

١. «لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ وَكَثْرَةِ الْحَجَّ وَلِكِنْ انْظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ.»

«به بسیاری نماز و روزه و حج گزاردن آن نکاه نکنید...
بلکه به راستی کلام و بازگرداندن امانت (شان) بنگرید.»

٢. «عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْيِ مِنَ الْجَسَدِ.»
«بر شما باد صبر و شکیایی، چراکه بر دباری نشانه ایمان است، همانند سر از بدن.»
(علی (ع))

٣. «أُنْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ.»
«به آن چه گفت (گفته می شود) نکاه کن، و نکاه نکن به این که چه کسی گفته است.»
(علی (ع))

٤. «لَا فَقْرَ كَالْجَهْلِ وَلَا مِيراثَ كَالْأَدَبِ.»
«هیج فقری مانند نادانی و هیج میراثی چون ادب نیست.»
(علی (ع))

٥. «مَنْ دَفَعَ غَضَبَهُ دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ عَذَابَهُ.»
«هر کس از خشمش (نسبت به دیگران) جلوگیری کند خداوند عذاب (ش) را از او بر طرف
می کند.»
(پیامبر (ص))

١. الْجَدِيدُ الْأَوَّلُ وَالْخَامِسُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَالْحَدِيثُ الثَّانِي وَالثَّالِثُ وَالرَّابِعُ مِنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٢. در اینجا «إن» یعنی «زیرا»

٣. الْجَسَدُ: بدن

درس هفتم

کانَ إِدِيسُونْ فِي السَّابِعَةِ مِنْ عُمْرِهِ، عِنْدَمَا عَجَّلَتْ أَسْأَاهُ عَنْ حَفْظِ زَوَّادَتْهُ دِرَاسَتَهُ،
إِدِيسُونْ هَفْتَ سَالَهُ بَوْدُ، هَنْكَامِي كَهْ خَانَوَادَهُ اشْ ازْ بَرْدَاخَتْ هَزِينَهُ تَحْصِيلِيشْ نَاتَواَنْ شَدُّ، دَرْ
فَطَرَدَهُ مُدِيرُ مَدْرَسَتِهِ مِنَ الْمَدْرَسَةِ وَ قَالَ عَنْهُ:
نَتْيَاجَهُ مُدِيرُ مَدْرَسَهُ، اوَ رَأَى بِهِ تَنْدِي ازْ مَدْرَسَهُ بِيَرُونْ كَرَدُ وَ دَرْبَارَهُ اوَ كَفَتْ :
«إِنَّهُ تَلَمِيذٌ أَحَمَقُ». فَصَارَ بَائِعَ الْفَوَاكِهِ؛ وَلَكِنَّهُ
«وَاقْعًا اوَ دَانِشَ آمُوزَ كَوْدَنْ وَ بِيَحْرَدِي أَسْتَ .»
ما تَرَكَ الدَّرَاسَةَ؛ بَلْ دَرَسَ بِمُسَاعَدَةِ أُمِّهِ؛ هَيَ
پَسْ (او) مِيَوَهْ فَرْوَشْ شَدُّ؛ اِمَّا مَدْرَسَهُ رَا رَهَا نَكَرَدُ؛ بَلْ كَمَكْ مَادَرُشْ دَرَسْ خَوَانَدُ؛
سَاعَدَتْهُ كَثِيرًا. کانَ إِدِيسُونْ ثَقِيلَ السَّمْعِ
(مَادَرْ) اوَ خَيْلَى كَمَكْ (شْ) كَرَدُ. إِدِيسُونْ بِهِ خَاطِرِ يَكْ روِيدَادِ يَا بِيمَارِي که در دوران
بِسَبَبِ حَادِثَةٍ اوَ مَرَضٍ أَصَابَهُ أَيَّامَ الطُّفُولَةِ.

إدیسون أَحَبَ الْكِيَمِيَاءَ. فَصَنَعَ مُخْتَبِرًا صَغِيرًا
ادیسون ، شیمی را دوست داشت . پس در خانه اش آزمایشگاه کوچکی ساخت .
فِي مَنْزِلِهِ وَ بَعْدَ مُدَّةٍ قَدَرَ عَلَى شَرَاءِ بَعْضِ الْمَوَادِ
وَ پس از مدتی توانست بِرْخِي از مواد شیمیایی
الکیمیاویَّةِ وَ الادَّواتِ الْعِلْمِيَّةِ وَ بَعْدَ مُحاوَلَاتِ
وَ ابْرَازِهَاي علمی را خریداری کند . وَ پس از تلاش های چشمگیر
كثیرة صار مسؤولاً في أحد القطارات وَ قَدَرَ عَلَى
مسئول یکی از قطارها شد . وَ توافَسَتْ دَسْتَكَاهْ چَابْ را خریداری کند
شِرَاءِ آلَّهِ طِبَاعَةً وَ وَضَعَهَا في عَرَبَةِ الْبَضَائِعِ وَ في السَّنَةِ الْخَامِسَةِ عَشَرَةَ مِنْ عُمْرِهِ
وَ آن را در واگن کالاهای گذاشت . وَ در پانزده سالگی اش یک روزنامه هفتگی نوشت و آن را
كتب صحيفه أسبوعيه و طبعها في القطار . في أحد الأيام انكسرت إحدى زجاجات
در قطار چاب کرد . در يکی از روزها ، يکی از شیشه های مواد شیمیایی در آزمایشگاه
المَوَادِ الْكِيَمِيَّةِ فِي المَطَبَعَةِ؛ فَحَدَثَ حَرِيقٌ فَطَرَدَهُ رَئِيسُ الْقَطَارِ وَ عِنْدَمَا أَنْقَذَ
شکست . پس یک آتش سوزی رخ داد در نتیجه رئیس قطار او را راند و هنگامی که کودکی
طِفْلًا مِنْ تَحْتِ الْقَطَارِ، جَعَلَهُ وَالِّدُ الطَّفْلِ رَئِيسًا فِي
را از زیر قطار نجات داد ، پدر (آن) بچه او را رئیس شرکتش قرار داد .

کانَ إِدِيسُونَ مَشْغُولًا فِي مُختَبَرِهِ لَيْلًا وَ نَهَارًا.
ادِيسُونَ دَرَ آَزْمَايِشَكَاهَشْ شِيانَهِ رُوزْ سُرْگُرمْ (آَزْمَايِشْ) بُودَ .
هو أَوْلَى مَنْ صَنَعَ مُختَبَرًا لِلابحَاثِ الصِّناعِيَّةِ.
او نخستین کسی است که آزمایشگاهی برای پژوهش های صنعتی ساخت .
اختراع ادِيسُونَ أَكْثَرَ مِنْ أَلْفِ اخْتِرَاعٍ مِهْمَ؛
ادِيسُونَ بشَّأَ هُزارَ اخْتِرَاعٍ مِهْمَ (در کارنامه اش) دارد .
منها الطاقة الكهربائية و المصباح الكهربائي
از آن جمله (می توان) : «نیروی برق ، لامپ برق و دستگاه ضبط موسیقی و عکس های
و مسجل الموسیقی و الصور المتحركة و آله

السَّيِّمَ وَ سَكَاهُ السَّيِّمَ وَ بَاتْرِي مَاشِينَ « (دَانَامَ بُرْدَ) .

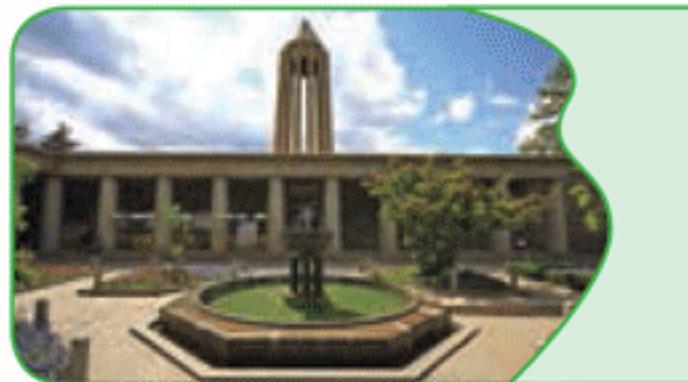
وَ الطَّاقَةُ الْكَهْرَبَائِيَّةُ فِي هَذَا الْعَصْرِ سَبَبَ رَئِيسِ

لتقديم الصناعات الجديدة، وعلت اصله، يشتقت صناعة حديثه است.

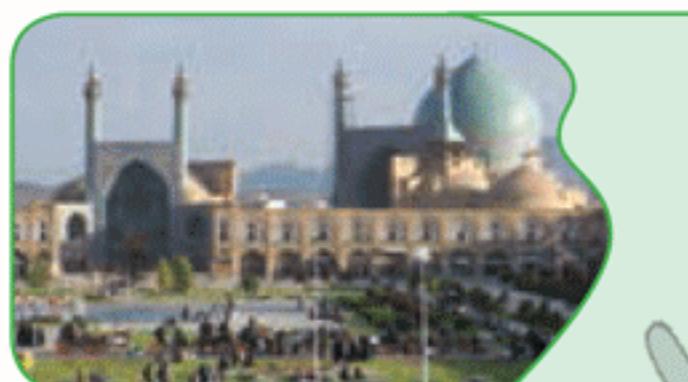
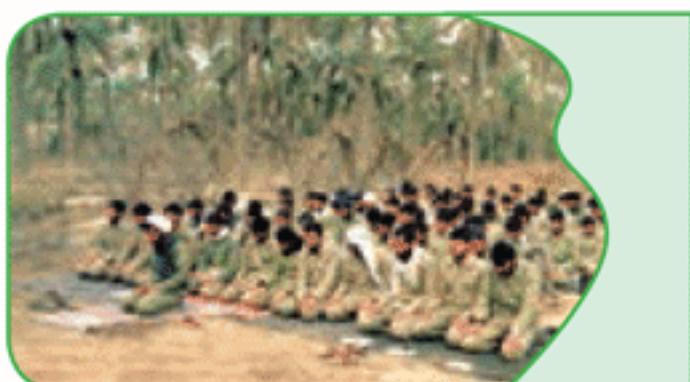
۱. الشِّرِكَةُ مَوْسَسَةٌ تِجَارِيَّةٌ أَوْ اقْتِصَادِيَّةٌ يَعْمَلُ فِيهَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ.
و باقی برقی در این دوره علت اصلی پیشرفت صنایع جدید شده است .
۲. الْقَطَارُ مَكَانٌ بَيْنِ الْبَضَائِعِ مِثْلِ الْمَلَابِسِ وَ الْفَوَاكِهِ.
قطار ، مکان فروش کالاهاست از قبیل پوشاك ها و میوه ها .
۳. الْمَطَبَعَةُ مَخْزَنٌ لِحَفْظِ الْمَوَادِ الْغَذَائِيَّةِ كَالْخُبْزِ.
چاپ خانه ، انباری است برای ذخیره مواد غذایی مانند خان .
۴. الْطُّفُولَةُ هِيَ السَّنَوَاتُ الْأُولَى مِنْ حَيَاةِ إِنْسَانٍ.
کودکی ، همان سال های نخستین از زندگی انسان است .
۵. الصَّاعِقَةُ كَهْرَبَاءٌ تَنْزَلُ مِنَ السَّمَاءِ مَعَ الرَّغْدِ.
صاعقه ، برقی است که همراه رعد از آسمان پایین می آید .

۳۰ التَّمْرِينُ الثَّانِي

جمله های زیر را ترجمه کنید .



مرقدُ الْعَالَمِ الْإِيرَانِيُّ ابْنِ سِينَا فِي مَدِينَةِ هَمَدَانِ .
الْجِسْرُ الْأَبِيَضُ، عَلَى نَهْرِ كَارُونِ .
مرقد دانشمند ایرانی ، ابن سینا در شهر همدان .
پل سفید روی رودخانه کارون



جُنُودُنَا الْأَقْوَابُ، جُنُودُ مُؤْمِنُونَ .
مَسْجِدُ الْإِمَامِ، أَثْرٌ قَدِيمٌ فِي مُحَافَظَةِ إِصْفَاهَانِ .

مسجد امام ، اثری دیرینه در استان اصفهان است . سربازان نیرومند ما ، سربازان مومنی هستند .

۳۱ التَّمْرِينُ الثَّالِثُ

کلمات متادف و متضاد را معلوم کنید . ≠

عادل ≠ نجون عاقِل

لیل ≠ هار صَعْبٌ

وضع ≠ جَعَلَ

صداقه = عداوه

جلوس ≠ قیام

سهول ≠ صعب

أَصْدِقَاءُ ≠ أَعْدَاءُ

رايس ≠ ناجح

جاء = آتی

جميل ≠ قبح

نام ≠ رَقَدَ

طويل ≠ قصير

در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید. «دو کلمه اضافه است.»

أَنْقَذَ / رَئِيْسِيَّ / إِحْتَرَقَ / طَبَعَ / نَفَقَاتُ / الصَّحِيفَةِ / بَضَائِعَ

١. كَانَتْ الجَامِعَةِ غَالِيَّةً وَ مَا كُنْتُ قَادِرًا عَلَى دَفْعِهَا وَحْدِي.

هزینه های دانشگاه گران بود و توانایی پرداخت آن را به تنها ی نداشت.

٢. أَنْكَسَرَتْ أَحَدَى الزُّجَاجَاتِ فِي الْمُخْتَرِ فَكُلُّ الْأَشْيَاءِ.

یکی از شیشه ها در آزمایشگاه شکست پس همه چیز آتش گرفت.

٣. يَجْلِبُ التَّاجِرُ جَدِيدَهُ إِلَى دُكَانِهِ لِلْبَيْعِ.

بازار گان کالاهای تازه ای برای فروش به مغازه اش می آورد.

٤. يَبْدَا وَالَّذِي يَوْمَهُ بِقِرَاءَةٍ دائماً.

پدرم روشن را با خواندن روزنامه آغاز می کند.

٥. إِدِيسُونْ طِفْلًا مِنْ تَحْتِ الْقِطَارِ.

ادیسون کودکی را از زیر قطار نجات داد.

التمرين الخامس

فعل های زیر را مانند مثال ترجمه کنید.

نهی	امر	مستقبل (آینده)	مضارع منفي	ماضي منفي
لا تَذَهَّبْ: ثَرَو	إِذْهَبْ: بُرُو	سَيِّدَهَبْ: خَوَاهِدَ رَفَتْ	لا يَذَهَّبُ بِمِي رَوَدْ	ما ذَهَبَ: نَرَفَتْ
لا تَشَرِّبوا: فَنَوْشِيدْ	سَيِّشَرَبُوا: بِنَوْشِيدْ	سَيِّشَرَبُونَ: خَوَاهِنَدَ نَوْشِيدْ	لا يَشَرِّبُونَ: نَسْمِي نَوْشِنَدْ	ما شَرِّبَوا: نَنْوَشِيدَنَدْ
لا تَغْسِلَنَشُوي	سَوَافَ يَغْسِلُنَشُوي	سَوَافَ يَغْسِلُ خَوَاهِدَ شَسَتْ	لا يَغْسِلُنَسْمِي شَوِيدْ	ما غَسَلَنَشُستَ: نَشْسَتْ

التمرين السادس

با استفاده از کلمات زیر، جدول را حل کنید و رمز آن را به دست بیاورید.

١ ٢ ٤ ٦ ٩ ١٢ ١٣ ١٤ ١٥ ١٦
معجون / أبحاث / طفولة / صناعة / نفقات / أنهار / دفع / مسجلات /

مطابيع / مزدحيم / آلات / تماثيل / شهور / گرسی / أنفسهم / ابتدأ

٦ ٧ ١٠ ١١ ١٢ ١٣ ١٤ ١٥ ١٦
رمز ↓

كَنْزُ الْحِكْمَةِ

● بخوانید و ترجمه کنید.

۱. «عَلَيْكَ يَذْكُرُ اللَّهُ فَإِنَّهُ نُورُ الْقَلْبِ.»

بر تو باد (بر زبان آوردن) نام خدا، چراکه آن روشنی بخش دل هاست.

۲. «جَلِيلُ السَّوْءِ شَيْطَانٌ.»

همنشین بد، (در کشاندن به گناه مانند) شیطان است.

۳. «الدُّنْيَا مَرْأَةُ الْآخِرَةِ.»

دنیا کشتزار آخرت (قيامت) است.

۴. «الْعِلْمُ كَنْزٌ عَظِيمٌ.»

دانش، گنج بزرگی است.

۵. «الثَّوْمُ أَخوُ الْمَوْتِ.»

خواب، (دربوختی از ویژگی ها مانند و) برادر مرگ است.

درس هشتم

حِوارٌ بَيْنَ الزَّائِرِ وَ سَائِقِ سَيَارَةِ الأُجْرَةِ

- عَلَيْكُمُ السَّلامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.
السَّلامُ عَلَيْكُم.

سلام بر شما .
أَيْنَ تَذَهَّبُونَ؟

كجا می روید؟

- أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ. تَفَضَّلُوا. ارْكِبُوا.
خوش آمدید ، بفرمایید . سوار شوید .

- أَرَى عِينَ رِيَالًا .
چهل ریال .

- عَفْوًا! ثَلَاثُونَ رِيَالًا. لِكُلِّ زائرٍ عَشَرَةً
ببخشید؛ سی ریال . برای هر زائر ده ریال .
ريالات .

- سَلامٌ عَلَيْكُمْ .

سلام بر شما .

- نَذْهَبُ إِلَى مُتْحَفِ مَكَّةَ الْمُكَرَّمَةِ .
به موزه مكه مكرمه می رويم .

- كم ریال از ما می کیری؟
چند ریال از ما می کیری؟

- الأُجْرَةُ غَالِيَةٌ. نَحْنُ ثَلَاثَةُ أشخاصٍ.
کرايه گران است . ما سه نفریم .

- نَعَمْ. لا تَأْسِ . با شَبَابٍ، هَلْ أَنْتُمْ إِيرَانِيُّونَ؟
بله ، اشکالی ندارد . آیا شما ایرانی هستید

- أَنَا باكِستانِيٌّ وَ أَشْتَغِلُ هُنَا. فِي وَطَنِي
ای جوانان ، من پاکستانی هستم و
ین جا مسئولم . در کشورم در مزرعه کار می کردم .

نه لا؛ نمی داشتم بفرصت عنديارم .

- لِأَنِّي أَشْتَغِلُ مِنَ الصَّبَاحِ حَتَّى الْمَسَاءِ .

زیرا من صبح تا شب کار می کنم .

- الْعَاشِرَةُ تَمَامًا.
ده نمام .

- هَلْ تَقْبِلُ النُّقْوَةَ الْإِيرَانِيَّةَ؟
آیا پول ایران را می پذیری؟

- نَعَمْ وَ مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟
بله . و تو از کدام (کشوری)؟

آیا تا کسون موژه را دیدی حَتَّى الآن؟

- لِمَاذَا مَا ذَهَبْتَ إِلَى هُنَاكَ؟!

چرا به آن چا نرفتی؟

- عَفْوًا. كم الساعه؟

بخشید . ساعت چنده؟

- تَعَالَ مَعَنَا. ثُمَّ تَرْجِعُ مَعَنَا .

با ما بیا . سپس باهم برمی گردیم .

هل تقبل؟

آیا می پذیری؟

- مَاذَا فِي هَذَا الْمُتْحَفِ؟

در این موزه چیست (چه چیزی وجود دارد)؟ آثار تاریخی حرم های مکه و مدینه .

ما ذلک العمود؟

آن ستون چیست؟

و ما هذه الآثار؟

و این آثار چیست؟

- الْأَثَارُ التَّارِيْخِيَّةُ لِلْحَرَمَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ .

در این موزه چیست (چه چیزی وجود دارد)؟ آثار تاریخی حرم های مکه و مدینه .

العمود الخشبي للکعبه .

ستون چوبی مکه ایست .

- بَابُ الْمَنْبَرِ الْقَدِيمِ لِلْمَسْجِدِ النَّبِيِّيِّ .

در ب منبر قدیمی مسجد نبی (ص)؛

آثار عجاه زمزمه؛ صور لحرمیین حرم ها و مقبره

البقيع؛ و آثار جميلة أخرى .
آراء مکاه های بقیع؛ و آثار زیبای دیگر .

- لَا شُكْرَةَ عَلَى الْوَاحِدِ . (تشکر نیاز نیست .)

- أَشْكُرُكَ عَلَى تَوْضِيحاَتِكَ الْمُفَيَّدَةِ .
به خاطر توضیحات سومندت سپاسگزارم .

درستی یا نادرستی هر جمله را بر اساس واقعیت بنویسید.

۱. دَلِيلُ الْمُتَحَفِ يَشْتَغلُ فِي مَصْنَعِ الْأَبْوَابِ وَ النَّوَافِذِ.

راهنمای موزه در کارگاه در و پنجره سازی کار می کند

۲. الْبَئْرُ حُفْرَةٌ عَمِيقَةٌ فِي الْأَرْضِ فِيهَا مَاءٌ أَوْ غَيْرُهُ.

چاه، گودالی ژرف در زمین است که آب یا غیر آن در آن است. ص

۳. فِي الْمُتَحَفِ آثارٌ تَارِيْخِيَّةٌ لِلْبَيْعِ وَ الشَّرَاءِ.

در موزه، آثار تاریخی برای فروش و خرید است. ص

۴. الْبَطَارِيَّةُ مَخْزُنُ الْكَهْرَبَاءِ فِي السَّيَارَةِ.

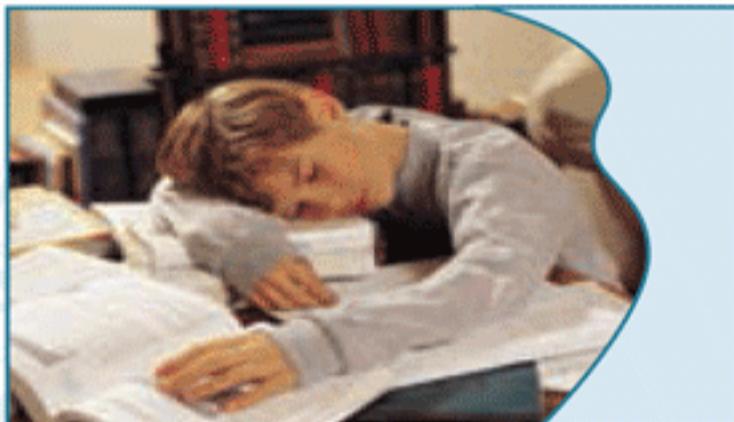
باتری، مخزن برقی در ماشین است. ص

۵. بَيْتُ اللَّهِ فِي مَكَّةَ الْمُكَرَّمَةِ.

خانه خدا در مکه مكرمه (گرامی داشته شده) است. ص

التَّمْرِينُ الثَّانِي

بخوانید و ترجمه کنید.



كَانَ الْعَمَالُ يَصْنَعُونَ بَيْتاً وَ هُمُ الآنَ وَاقِفُونَ. كَانَ أَخِي الصَّغِيرُ يَكْتُبُ وَاجِباتِهِ؛ فَأَخَذَهُ النَّوْمُ.

کارگران خانه می ساختند، و آنان اکنون ایستاده اند. بُرَادُرْ کوچکم تکلیف هایش را

می نوشت؛ (که) پس خوابش بُرد.

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ

در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید. «دو کلمه اضافه است.»

يَرْكَبُونَ / يَشْتَغلُ / نُقُودٍ / تَعَالَ / الْبِئْرِ / تَفَضُّلٍ / دَلِيلٍ

۱. أَيْنَ أَخوَكَ الْأَكْبَرُ؟ - هُوَ يَعْمَلُ فِي مُنَظَّمَةِ الْأَمَمِ الْمُتَّحِدَةِ.

برادر بزرگ تو کجا کار می کند؟ او در سازمان ملل متحد کار می کند.

۲. الدِّرْهَمُ وَ الدِّينَارُ وَ الرِّيَالُ وَ الْلَّيْرَهُ أَسْمَاءُ دُرْهَمٍ وَ دِينَارٍ وَ رِيَالٍ وَ لَيْرَهٍ، نَامَ پُولُ هَا هَسْتَند.

۳. حُجَّاجُ الْقَافِلَةُ بِحَاجَةٍ إِلَى السَّفَرِ. حَجَّاجُ کاروان به راهنمای سفر نیازمندند.

۴. اسْتَخْرَجَ الْفَلَاحِمَنَ مَاءً مِنْ كشاورزی آب را از چاه بیرون می کشند.

۵. دَائِشُ الْمُؤْمَنُونَ، اتْوَبُوس مَدْرَسَه حَافِلَهُ الْمَدَسَنَه.

سَمِعَ	شَنِيدَ	يَسْمَعُ	مِي شَنِيدَ	كَانَ يَسْمَعُ	مِي شَنَودَ
أَنْقَذَ	نجات داد	يُنْقِذُ	نجات می داد	كَانَ يُنْقِذُ	كَانَ يَنْقِذُ
إِشْتَغَلَ	کار کردند	يَشْتَغِلَانِ	کار می کردند	كَانَا يَشْتَغِلَانِ	كَانَ يَشْتَغِلُ
حاَوْلَوا	تلاش کردند	يُحاَوِلُونَ	تلاش می کردند	كَانُوا يُحاَوِلُونَ	كَانُوا يَحَاوِلُونَ
حَضَرَتَا	حاضر شدند	هُمَا تَحْضُرَانِ	می پرسند	كَانَتَا تَحْضُرَانِ	مِي پُرسِدَنَد
سَاعَدُوا	کمک کردند	يُسَاعِدُونَ	کمک می کردند	كَانُوا يُسَاعِدُونَ	كَانُوا يَسْاعِدُونَ

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید. «یک کلمه اضافه است.»

١. الْكَهْرَبَاءُ طاقةً تَشَتَّغِلُ بِهَا الْأَلَاتُ وَ الْأَدَوَاتُ الصَّنَاعِيَّةُ.
نَيْروُبِيَ كَهْبَرَبَرَ وَ وَسَائِلُ صَنْعَتِيَّ بِهِ وَسِيلَهُ آنَ درَ گَرَدَشَ اَنَدَ.
٢. الْمَطَرُ هُوَ الَّذِي لَا يَطْلُبُ لَكَ الْخَيْرَ بَلْ يَطْلُبُ الشَّرَّ.

اوِّلَكَسِيَ اَسْتَ كَهْ خَوبِيَ اَزْتَو نَمِيَ خَوَاهِدَ بِلَكَهُ خَوَاهَانَ بَدِيَ اَسْتَ .
چَكَهُهَاهِيَ اَبَّ اَهْبَسِيَ كَهْ اَبَرَفَرَوَهِيَ رِيزَدَ .

٣. الْعَدُوُّ نَتْيَجَهُ اَخْتِرَاقِ الْخَشَبِ وَ غَيْرِهِ.
٤. الْعَدُوُّ نَتْيَجَهُ سَوْخَنَ چَوبَ وَ غَيْرَ آنَ .
٥. الْفَلَاحُ مَنْ يَعْمَلُ فِي زِرَاعَهِ الْأَرْضِ.

كَسِيَ كَهْ دَرَكَاشَتَ زَمِينَ كَارَ مِي كَنَدَ .

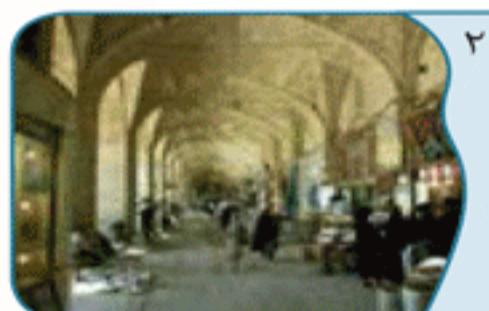
التَّمْرِينُ السَّادِسُ

زیر هر تصویر^۱ نام آن را به عربی بنویسید.

«شَلَالَاتُ شَوَشَتِر / مَرْقَدُ بَايَزِيد / جَسْرُ جَاوَمِيشَان / سَوقُ كَرْمَان / غَابَهُ مَدِينَهُ مِينَوَدَشَت / عَيْنُ بَيْسَتوُن»



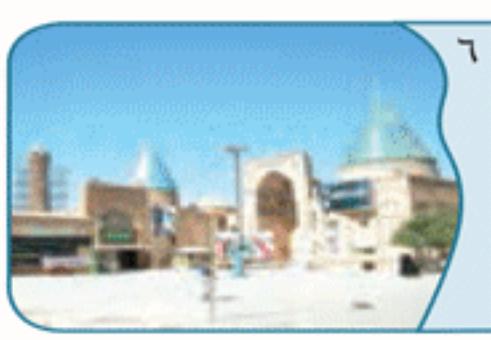
شَلَالَاتُ شَوَشَتِر



سَوقُ كَرْمَان



جَسْرُ جَاوَمِيشَان



مَرْقَدُ بَايَزِيد



غَابَهُ مَدِينَهُ مِينَوَدَشَت



عَيْنُ بَيْسَتوُن

^۱ تصویرهای بالا به ترتیب از اهستان‌های: ۱. ایلام و لرستان. ۲. کرمان. ۳. خوزستان. ۴. گلستان. ۵. سمنان است.

كَنْزُ الْحِكْمَةِ

● بخوانید و ترجمه کنید.

الْأَحَبُ إِلَى اللَّهِ (محبوب ترین نزد خداوند) مِنْ كَلَامِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

۱. «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ بَعْدَ الْفَرَائِضِ إِذْخَالُ السُّرُورِ عَلَى الْمُسْلِمِ.»
دوست داشتنی ترین (کارها) نزد خداوند پس از واجبات، شاد نمودن مسلمان است.

۲. «أَحَبُّ الطَّعَامِ إِلَى اللَّهِ مَا كَثُرَتْ عَلَيْهِ الْأَيْدِي.»
محبوب ترین غذا در پیشگاه خداوند آن است که دست ها بر آن زیاد شود.

۳. «أَحَبُّ بُيُوتِكُمْ إِلَى اللَّهِ بَيْتٌ فِيهِ يَتِيمٌ مُّكَرَّمٌ.»

دوستی داشتنی ترین خانه ها از دیدگاه خداوند، خانه ای است که یتیمی در آن گرامی داشته شود.

۴. «أَحَبُّ عِبَادَ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.»
دوست داشتنی ترین بندگان خداوند به خدا، سودمند ترینشان نسبت به بندگانش است.

۵. «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ حِفْظُ الْلِّسَانِ.»

دوست داشتنی ترین (کارها) نزد خداوند، نگهداری زبان است.

درس نهم

الدَّرْسُ التَّاسِعُ

پیام درس درباره مسائل بهداشتی است

نُصُوصُ حَوْلَ الصَّحَّةِ : مَنْ هَايِنْ دَرِبَارَةَ بَهْدَاشْتِ

أَفْضَلُ الْأَلْوَانِ بَعْضُ النَّاسِ يَظْنُونَ بِأَنَّ الْأَلْوَانَ لِلتَّلَوِينِ أَوْ لِلِّرْسِمِ أَوْ لِلتَّزْبِينِ فَقَطْ . وَلَكِنْ هَلْ سَأَلْنَا أَنفُسَنَا يَوْمًا : «هَلْ يُنْكِنُ مُعَالِجَةُ الْمَرَاضِ بِالْأَلْوَانِ؟ مَا هُوَ تَأْثِيرُ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ؟»

بَهْتَرِينَ رَنْگَ هَا : بِرْخِي از مردم گمان من کنند که رنگ ها فقط (تنها) برای رنگ آمیزی یا نشانش کردن یا تزئین (زینت دادن هستند . ولی آیا روزی از خودمان پرسیده ایم : آیا درمان بیماری ها با رنگ ها ممکن است؟ (امکان دارد؟) تأثیر رنگ های مختلف (گوناگون) چیست؟

يَعْتَقِدُ بَعْضُ الْعُلَمَاءِ أَنَّ لِلْأَلْوَانِ تَأْثِيرًا عَلَيْنَا . إِنَّ أَحَبَّ الْأَلْوَانِ إِلَى الْعَيْنِ ، الْأَلْوَانُ الْطَّبِيعِيَّةُ الَّتِي نُشَاهِدُهَا حَوْلَنَا فِي الَّلَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهِيَ اللَّوْنُ الْخَضْرُ وَاللَّوْنُ الْأَزْرَقُ السَّاُوِيُّ ثُمَّ اللَّوْنُ الْصَّفَرُ مِثْلُ لَوْنِ بَعْضِ أُوراقِ الْخَرِيفِ .

برخی از دانشمندان معتقدند (عقیده دارند، اعتقاد دارند، بر این باورند) که رنگ ها بر ماتأثیر دارند . قطعاً محبوب ترین رنگ ها برای چشم، رنگ های طبیعی ای است که شب و روز در اطراف (پیرامون) خودمان من بینیم که عبارت اند از : رنگ سبز و رنگ آبی آسمانی سبز رنگ زرد، هائندرنگ بعضی برگ های پاییز.

أَمَّا النُّورُ الْأَحْمَرُ فَنَشْعُرُ بِالتَّغَبُّ عِنْدَمَا نَنْظُرُ إِلَيْهِ لِأَنَّهُ يُحْرِجُ الْعَصَابَ . فَقَانُونُ السُّرُورِ يَسْتَخْدِمُ فِي الْأَمَاكِنِ الَّتِي بِحَاجَةٍ إِلَى الْإِنْتِبَاهِ كِيَاشَارَاتِ السُّرُورِ؛ أَمَّا غُرْفَ النُّومِ فَالنِّصْلُ فِيهَا اسْتِخْدَامُ الْأَلْوَانِ الْمُهَدَّدَةِ لِلْعَصَابِ كَاللَّوْنِ الْبَشَجِيِّ .

اما رنگ سرخ، وقتی به آن نگاه می کنیم احساس خستگی می کنیم؛ زیرا (برای اینکه) اعصاب را تحریک من کند . در نتیجه قانون راهنمایی و رانندگی در جاهاییں (اماکن) که نیاز به توجه دارد، هائندعلامت های راهنمایی و رانندگی آن را به کار من کرید؛ اما اتاق های خواب بهتر است که در آن رنگ های آرام بخش اعصاب مثل رنگ بنفش به کار گرفته شود.

فيتامين « إ » (A) من فوائد فيتامين « إ » زيادة وزن الأطفال و هو مقيّد للعيين و كان الطيارون في الحرب العالمية الثانية يتناولونه قبل ابتداء الغارات الليلية و هذا الفيتامين موجود في النباتات و الفواكه باللون الأصفر كالبيشة والجزر و قشر البرتقال .

ویتامین آ : از فواید (سودهای) ویتامین آ فرازیش وزن کودکان است . این ویتامین برای چشم مفید (سودمند) است و خلبان ها در جنگ جهانی دوم پیش از آغاز حملات شبانه می خوردند (تناول من کردن) و این ویتامین در گیاهان و میوه های به رنگ زرد هائند زردالو، هویج و پوست پرتقال موجود است.

فيتامين « سی » (C) : يوجد هذا الفيتامين في الحليب الطازج ولكنه لا يوجد في الحليب المجفف و الأطفال الذين يتناولونه وحدة، في أكثر الأوقات يحدث لهم ضعف في الساقين . و يمكن تعويض هذا النقص في التغذية بتناول عصير الليمون أو عصير البرتقال .

ویتامین ث : این ویتامین در شیر تازه وجود دارد (یافت می شود) و کودکانی که تنها آن را من خورند بیشتر اوقات برایشان ناتوانی (ضعف) ساق هاییش من آید و این کمبود (نقص) در تغذیه خوراک (با خوردن آب لیمو یا آب پرتقال جبران می شود .

درس دهم

الدُّرْسُ الْعَاشِرُ

پیام درس اهمیت امانتداری است. امانتداری فقط حفظ اشیای مادی و دارای ارزش مالی نیست؛ حفظ یک راز و حفظیک سخن نیز یک امانت است؛ مستولیتی که در جامعه بر عهده من کبیریم، نیز نوع امانت است.

الْأَمَانَةُ: امانت

أَرَادَ مُسَافِرٌ تَسْلِيمَ تُقْوِدَهُ إِلَى شَخْصٍ أَمِينٍ فَذَهَبَ إِلَى قَاضِي بَلْدَهُ وَقَالَ لَهُ: «إِنِّي سَوْفَ أَسْافِرُ وَأُرِيدُ تَسْلِيمَ تُقْوِدَيِ الْأَمَانَةَ وَسَوْفَ أَسْتَلِمُهَا مِنْكَ بَعْدَ رُجُوعِي». فَقَالَ الْقَاضِي: «لَا بِأَسْلَامٍ إِجْعَلْ تُقْوِدَكَ فِي ذَلِكَ الصَّنْدوقِ». فَوَضَعَ الرَّجُلُ تُقْوِدَهُ فِي الصَّنْدوقِ.

مسافری خواست پولش (پول هایش) را به شخص امانتداری بدهد. پس نزد قاضی شهرش رفت و به او گفت: من مسافت خواهم کرد و من خواهم پویم را نزد تو به امانت بگذارم و پس از برگشتتم از تو پس خواهم گرفت. قاضی گفت: اشکالی ندارد، پولت را در آن صندوق بگذار و مرد (آن مرد) پولش (پول هایش) را در صندوق (آن صندوق) گذاشت.

وَ لَئِنْ رَجَعَ مِنَ السَّفَرِ، ذَهَبَ عِنْدَ الْقَاضِي وَ طَلَبَ مِنْهُ الْأَمَانَةَ، فَقَالَ الْقَاضِي: «إِنِّي لَا أَغْرِيكَ»، وَ وَقْتَ كَهْ لَزِ سُلْطَنٍ بَرَكَتْ: نَزَدَ قَاضِي رَفَتْ وَ امَانَتْ (آن امانت) رَا لَزْ او خواست (درخواست کرد)، قاضی به او گفت: من تو را می‌شناسم حَزِنَ الرَّجُلُ فَذَهَبَ إِلَى حَاكِمِ الْمَدِينَةِ وَ شَرَحَ لَهُ الْقَضِيَّةَ، فَقَالَ الْحَاكِمُ: «سَيَأْتِي الْقَاضِي إِلَيَّ غَدَاءً، فَادْخُلْ عَلَيْنَا فِي السَّجْلِيْسِ وَ اهْلُكْ أَمَانَتَكَ مِنْهُ».

مرد (آن مرد) غمگین شد (ناراحت شد) و به سوی (نزد) حاکم شهر رفت و قضیه را برایش شرح داد. حاکم گفت: فردا قاضی نزد من خواهد آمد؛ در مجلس پیش ما بیبا (بر ما وارد شو) و امانتت را لازم بخواه.

وَ فِي الْيَوْمِ الثَّالِثِ عِنْدَمَا جَاءَ الْقَاضِي إِلَيَّ الْحَاكِمِ، قَالَ لَهُ الْحَاكِمُ: «إِنِّي سَوْفَ أَسْافِرُ إِلَى الْحَجَّ فِي هَذَا الشَّهْرِ وَ أُرِيدُ تَسْلِيمَ أُمُورِ الْبِلَادِ إِلَيْكَ لَيْكَ مَا رَأَيْتَ مِنْكَ إِلَيَّ الْأَمَانَةَ».

و در روز بعد وقت که قاضی نزد حاکم آمد، حاکم به او گفت: من در همین ماه (این ماه) به حج سفر خواهم کرد و من خواهم امور (کارهای) کشور (سرزمین) را به تو تحویل دهم (بسپارم) چون من از تو جز امانتداری ندیده ام.

وَ فِي هَذَا الْوَقْتِ دَخَلَ صَاحِبُ الْأَمَانَةِ وَ سَلَّمَ عَلَيْهَا وَ قَالَ: «أَيُّهَا الْقَاضِي، إِنِّي لَنِي أَمَانَةً عِنْدَكَ وَ ضَعْتُ تُقْوِدَيِ عِنْدَكَ». فَقَالَ الْقَاضِي: «هَذَا مِيقَاتُ الصَّنْدوقِ، اسْتَلِمْ تُقْوِدَكَ».

و در این وقت صاحب امانت وارد شد و به آنها (آن دو) سلام کرد و گفت: ای قاضی، امانتی نزد تو دارم. پویم را نزد تو کذاشته ام قاضی گفت: این کلید صندوق است. پولت را تحویل بگیر.

بَعْدَ يَوْمَيْنِ ذَهَبَ الْقَاضِي عِنْدَ الْحَاكِمِ وَ تَكَلَّمَ مَعَهُ حَوْلَ ذَلِكَ الْمَوْضِعِ، فَأَجَابَ الْحَاكِمُ:

پس از دو روز قاضی نزد حاکم رفت و با او درباره آن موضوع صحبت کرد. حاکم جواب داد:

«أَيُّهَا الْقَاضِي، مَا لَتَرَجَعْتَ أَعْهَانَةَ ذَلِكَ الرَّجُلِ إِلَيْهِ بَعْدَمَا أَعْطَيْتَهُ كُلَّ الْبِلَادِ، فَبَأْيَ شَيْءٍ تَسْرِجُ الْبِلَادَ مِنْكَ؟!»، «قُمْ أَمْرَ بِعَزْلِهِ».

ای قاضی، امانت آن مرد را از تو پس نگرفتیم مگر بعد از اینکه همه کشور را به تو دادیم؛ باجه چیزی کشور را از تو پس بگیریم؟ = اسپس دستور به برکناری او داد = (دستور داد او را برکنار کنند).

لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمَاهُمْ وَ كَثْرَةِ الْحَجَّ .. وَ لَكِنْ انتظروا إِلَى صِدْقَيِ الْحَدِيثِ

وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ» رسول الله صلی اللہ وعلیہ وآلہ۔

به زیادی همازشان و روزه شان و زیادی حج نگاه نکنید.... ولی به راستکویی و امانتداریشان نگاه کنید.